

# در کتاب کنکور فارسی مشران چه چیزهایی داریم؟



در بخش تست، هر درس با یک سردرس شروع می‌شود که در آن شماره و اسم درس و هم‌چنین یک کادر راهنما برای آدرس‌دهی پاسخ تست‌ها وجود دارد.

**تست‌ها، بخش اول این کتاب را تشکیل می‌دهند. در این کتاب از بیان تست‌های غیراستاندارد پرهیز کرده‌ایم. به همین خاطر شما با کتابی مواجه هستید که حجم کم‌تری نسبت به کتاب‌های دیگر تست فارسی دارد اما کتاب درسی و کنکور را به بهترین شکل پوشش داده است.**

تست‌های این کتاب از تست‌های کنکور سراسری و تألیفی تشکیل شده است.



به کمک این تیترا، تست‌های هر درس را موضوع‌محور طبقه‌بندی کرده‌ایم. واژگان، املا، تاریخ ادبیات، آرایه‌های ادبی و قرابت معنایی موضوعاتی هستند که هر درس تست‌هایی از این مباحث در کتاب می‌پسینید

از آن جایی که در بخش واژگان، بیشتر تست‌های کنکور از واژه‌هایی طرح می‌شود که در واژه‌نامه آمده است، تست‌هایی که از واژه‌های غیرواژه‌نامه‌ای طرح کرده‌ایم را با علامت **9** متمایز کرده‌ایم.

هرگاه علامت **10** را در کنار تستی دیدید، بدانید که آن تست مباحثی از مطالب مربوط به درس‌های قبل‌تر را شامل می‌شود.

پاسخ تست‌های درس‌های مختلف با این تیترا از هم جدا شده‌اند. در این تیترا پایه، شماره درس و نام درس قرار گرفته است.



**بخش دوم کتاب پاسخ‌نامه تشریحی تست‌ها است. در پاسخ تست‌ها، به تمام نکات مورد نیاز اشاره شده است و هر جا که نیاز بوده، دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها هم بررسی شده است.**

هر جا لازم باشد، نکاتی هم درون پاسخ‌ها گفته‌ایم که با آن‌ها به فرایند یادگیری شما کمک کرده باشیم.

اولین قسمت درس نامه به واژگان اختصاص دارد. واژگان را درس به درس طبقه بندی کرده ایم.

در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه های و غیر واژه نامه های دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های درسی تان آمده است؛ اکثر تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

## واژگان

### فهرست واژگان

پهرست واژگان عبارت است از آن واژه‌هایی که در هر درس درسی به کار می‌آید.

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

### فهرست واژگان

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

### فهرست واژگان

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

سومین بخش این کتاب، بخش درس نامه های این کتاب را موضوعی نوشته ایم که هر موضوعی را می خوانستید بخوانید، بتوانید به راحتی به آن دسترسی داشته باشید.

## املا

### فهرست واژگان

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

### فهرست واژگان

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

### فهرست واژگان

این واژه‌ها به دو دسته واژه‌نامه‌ای و غیر واژه‌نامه‌ای تقسیم شده است.

واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی آمده است.

غیر واژه‌نامه‌ای: واژه‌هایی که در متن کتاب‌ها آمده است.

دومین بخش از درس نامه به میحت املا اختصاص دارد. در این بخش ابتدا نکات کنکوری درباره املا و رسم الخط فارسی را بیان کرده ایم. سپس مهم ترین کلمات درس های مختلف را از نظر اهمیت املا برای این آوره داده ایم. در آخر این قسمت هم جدولی تا هیج چیزی برای املا کنکور کم نداشته باشید.

در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه های و غیر واژه نامه های دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های درسی تان آمده است؛ اکثر تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

برای تاریخ ادبیات چند جدول آماده کرده‌ایم که هر آن چه لازم دارید در آن هست. کل تاریخ ادبیات فقط در چند جدول! چی از این جذاب‌تر؟!

### تاریخ ادبیات

پایه	فصل	درس	نمایش نویسنده و دوره	آثار	توضیحات
دوازدهم	کتابخانه	کتابخانه	عزیز نوری مکرم دین	گوشه نظر در قالب منظوم گوشه ادبیات	.....
		پلکان	سید چایق	گوشه ادبیات	سید چایق نظر می‌نویسد: اندک
سیزدهم	کتابخانه	کتابخانه	عزیز نوری مکرم دین	گوشه نظر در قالب منظوم گوشه ادبیات	.....
		پلکان	سید چایق	گوشه ادبیات	سید چایق نظر می‌نویسد: اندک
چهاردهم	کتابخانه	کتابخانه	عزیز نوری مکرم دین	گوشه نظر در قالب منظوم گوشه ادبیات	.....
		پلکان	سید چایق	گوشه ادبیات	سید چایق نظر می‌نویسد: اندک

### آراییه‌های ادبی

#### تشبیه

تشبیه چسبیده استن و با چسب استن و دو یا چند چیز به یکدیگر که موضوع و چسباننده و هم‌راستایی می‌نویسد.

میراث سال بد می‌رود  
هر تشبیه را می‌توان به دو بخش بارگی است.

- مثلاً کسی با چسبی که می‌خواهد آن را تشبیه کند می‌نویسد: **مشابه کسی با چسبی که تشبیه شده است**
- و چسبیده چسب می‌نویسد: **مشبیه** که می‌نویسد: **مشبیه می‌گوید** **مشبیه**
- مثلاً تشبیه و آرایه‌ای که شهادت را بیان می‌کند: **مثل تشبیه** چون همچون این مثل آرایه می‌گوید: **گوشت** و **پوست**
- مثلاً تشبیه و آرایه‌ای که شهادت را بیان می‌کند: **مثل تشبیه** چون همچون این مثل آرایه می‌گوید: **گوشت** و **پوست**

حرف‌های ادبی

مشابه درس‌نامه آرایه‌های ادبی کتاب کنکور منتشران را هیچ جای نمی‌توانید پیدا کنید. حتماً همان اول سال این درس‌نامه را کامل بخوانید و با تست‌هایی که در کتاب برایتان قرار داده‌ایم، در آرایه ادبی حرف‌های شوید.

همان‌طور که می‌دانید، قرابت معنایی را نمی‌شود درس داد؛ باید در آن با تمرین و تست مهارت کسب کرد؛ اما شما باید با مهم‌ترین مفاهیم کتاب درسی آشنا باشید تا بتوانید در کنکور موفق باشید. به همین خاطر برای این تمام مفاهیم مهم کتاب درسی را در جدول‌هایی مانند آن چه در شکل روبه‌رو می‌بینید، آورده‌ایم.

### دستور زبان

#### انواع کلمات و نقش دستور زبان در جمله

انواع کلمات عبارتند از: اسم - فعل - حرف - صفت - قید - ضمیر - حروف - مفعول - متعلق - مضاف - مضاف الیه - مضاف الیها

- اسم: برای نام بردن از اشیا و افراد
- فعل: برای بیان عمل و حالت
- حرف: برای بیان رابطه کلمات
- صفت: برای بیان ویژگی اشیا
- قید: برای بیان زمان، مکان، مقدار
- ضمیر: برای اشاره به اشیا و افراد
- حروف: برای بیان رابطه کلمات
- مفعول: برای بیان مفعول فعل
- متعلق: برای بیان متعلق فعل
- مضاف: برای بیان مضاف
- مضاف الیه: برای بیان مضاف الیه
- مضاف الیها: برای بیان مضاف الیها

#### جملات اصلی در زبان فارسی

- جمله: برای بیان یک موضوع
- جمله خبر: برای بیان خبر
- جمله پرسشی: برای بیان پرسش
- جمله تعجبی: برای بیان تعجب
- جمله امری: برای بیان امر
- جمله فاعلی: برای بیان فاعل
- جمله مفعولی: برای بیان مفعول
- جمله متعلقه: برای بیان متعلق
- جمله مضافیه: برای بیان مضاف
- جمله مضاف الیه: برای بیان مضاف الیه
- جمله مضاف الیها: برای بیان مضاف الیها

### قرابت معنایی

#### فارسی ۱

#### سناری - فارسی ۱

معنی	مثال
معنی: هر دو کلمه دارای یک معنی مشترک هستند.	مادر - پسر
معنی: هر دو کلمه دارای معانی مترادف هستند.	بزرگوار - نیکو
معنی: هر دو کلمه دارای معانی متضاد هستند.	بزرگوار - بیگوار
معنی: هر دو کلمه دارای معانی مترادف هستند.	مادر - پسر
معنی: هر دو کلمه دارای معانی مترادف هستند.	بزرگوار - نیکو
معنی: هر دو کلمه دارای معانی متضاد هستند.	بزرگوار - بیگوار
معنی: هر دو کلمه دارای معانی مترادف هستند.	مادر - پسر
معنی: هر دو کلمه دارای معانی مترادف هستند.	بزرگوار - نیکو
معنی: هر دو کلمه دارای معانی متضاد هستند.	بزرگوار - بیگوار

دستور زبان - قرابت معنایی

دستور زبان از آن قسمت‌هایی است که اگر درس‌نامه خوبی برای آن نداشته باشید، به مشکل خواهید خورد. در درس‌نامه دستور سعی کردیم که با استفاده از نکته‌ها، مثال‌ها و نمونه‌های فراوان همه آن چه را که نیاز دارید، به شما یاد بدهیم. پیشنهاد ما به شما این است که همان اول سال کاملاً درس‌نامه دستور را بخوانید و در طول سال با تست‌های این کتاب، مطالب را بارها و بارها تمرین و تکرار کنید.

# فهرست

## پایه دوازدهم

## پایه یازدهم

## پایه دهم

پاسخنامه

تست

پاسخنامه

تست

پاسخنامه

تست

۴۰۴	۲۲۲	۳۶۹	۱۱۱	۳۳۵	۸	● ستایش - درس ۱
۴۰۷	۲۳۱	۳۷۲	۱۲۰	۳۳۷	۱۶	● درس ۲
۴۱۰	۲۳۹	۳۷۴	۱۲۸	۳۴۰	۲۳	● درس ۳
۴۱۳	۲۴۶	۳۷۷	۱۳۵	۳۴۲	۲۹	● درس ۵
۴۱۵	۲۵۲	۳۷۹	۱۴۲	۳۴۴	۳۶	● درس ۶
۴۱۸	۲۶۰	۳۸۱	۱۴۹	۳۴۷	۴۳	● درس ۷
۴۲۱	۲۶۸	۳۸۴	۱۵۶	۳۴۸	۵۰	● درس ۸
۴۲۴	۲۷۶	۳۸۶	۱۶۲	۳۵۱	۵۷	● درس ۹
۴۲۷	۲۸۴	۳۸۸	۱۶۹	۳۵۲	۶۳	● درس ۱۰
۴۲۸	۲۸۹	۳۹۰	۱۷۵	۳۵۴	۶۹	● درس ۱۱
۴۳۰	۲۹۵	۳۹۲	۱۸۱	۳۵۷	۷۵	● درس ۱۲
۴۳۲	۳۰۱			۳۵۸	۸۱	● درس ۱۳
۴۳۴	۳۰۷	۳۹۴	۱۸۹	۳۶۰	۸۷	● درس ۱۴
		۳۹۶	۱۹۵			● درس ۱۵
۴۳۸	۳۱۵	۳۹۸	۲۰۲	۳۶۳	۹۳	● درس ۱۶
۴۴۱	۳۲۲	۴۰۰	۲۰۸	۳۶۵	۹۹	● درس ۱۷
۴۴۲	۳۲۷	۴۰۲	۲۱۴	۳۶۷	۱۰۴	● درس ۱۸ - نیایش

## درسنامه

۴۴۶	● واژگان
۴۶۲	● املا
۴۶۸	● تاریخ ادبیات
۴۷۴	● آرایه‌های ادبی
۴۸۶	● دستور زبان
۴۹۵	● قرابت معنایی
۵۱۵	● پاسخنامه کلیدی

۲۴۱- داده کدام گزینه درباره ادبیات غنایی نادرست است؟

- ۱) موضوعات غنایی معمولاً در قالب‌های شعری غزل، مثنوی و رباعی یا نثر نوشته می‌شود.
- ۲) زبان و بیان ادبیات غنایی نرم و لطیف است.
- ۳) عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت از موضوعات ادب غنایی است.
- ۴) امید و آرزو در ادب غنایی فارسی جایی ندارد.

۲۴۲- پدیدآورنده «اسرار التوحید» کیست؟

- ۱) ابوسعید ابوالخیر      ۲) سنایی غزنوی      ۳) احمد بن زید توسی      ۴) محمّد بن منور

۲۴۳- در کدام گزینه آرایه «ایهام» دیده نمی‌شود؟

- ۱) هر لحظه تو را با دگران گفت و شنیدی
- ۲) کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار
- ۳) خطر بادیۀ عشق تو بیش از پیش است
- ۴) گر در سرت هوای وصال است «حافظا»

۲۴۴- در کدام گزینه واژه «دستان» سبب ایجاد آرایه «ایهام» شده است؟

- ۱) به آب دیده می‌گیرم ز دستان تو هر ساعت
- ۲) به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
- ۳) به روز جود تو بی نام حاتم طایی
- ۴) دلا آخر نمی‌گویی کجا شد مکر و دستانت

۲۴۵- در کدام بیت همه آرایه‌های «مجاز، ایهام، کنایه، تلمیح» دیده می‌شود؟

- ۱) ای دمت عیسی، دم از دوری مزین
- ۲) ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون
- ۳) اشکت، «کلیم» نگذاشت در نامه‌ها سیاهی
- ۴) جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد

۲۴۶- آرایه‌های بیت: «نبیند روی من زردی به اقبال لب لعش / بمیرد پیش من رستم چو او دستان من باشد» کدام است؟

- ۱) اسلوب معادله - تلمیح - مجاز - ایهام تناسب  
 ۲) کنایه - تشبیه - تضمین  
 ۳) کنایه - تشبیه - تلمیح - مجاز - تشخیص  
 ۴) اسلوب معادله - تلمیح - مجاز - تشخیص

۲۴۷- آرایه‌های «مجاز، حسن تعلیل، ایهام، تضمین» به ترتیب، در کدام بیت‌ها آمده است؟

- الف) بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش
- ب) کیست آن بی بدل که هست احد
- ج) آفتاب حسن او تا شعله زد
- د) گفت فردا بشنوی این بانگ را

- ۱) الف - ج - د      ۲) ب - الف - ج - د      ۳) د - ج - الف - ب      ۴) د - الف - ج - ب

۲۴۸- آرایه‌های «تلمیح، مجاز، ایهام، جناس تام» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) معنی آب زندگی و روضه ارم
- ب) نه من سوکش این دیر رندسوزم و بس
- ج) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
- د) گو شمع میارید در این جمع که امشب

- ۱) الف - ب - ج - د      ۲) الف - ب - د - ج      ۳) ب - الف - د - ج      ۴) ب - ج - د - الف

۲۴۹- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- «آن‌چه می‌دانند ماتم تن پرستان، سور ماست  
 ۱) ایهام - استعاره - کنایه - تضاد  
 ۲) استعاره - تشبیه - ایهام تناسب - جناس  
 ۳) کنایه - تناقض - جناس - ایهام  
 ۴) تشبیه - ایهام تناسب - تناقض - تلمیح

(ریاضی ۸۹)

(تهری ۸۹)

(انسانی ۹۲)

(فارسی ۹۱)

(ریاضی ۹۴)

# قاضی بُست



پاسخ‌نامه این درس را در صفحه ۳۷۲ بخوانید.

## واژگان

۹۲۸- در کدام گزینه معنی تمام واژه‌ها درست است؟

- (۱) (ایزد: آفریدگار)، (چاشتگاه: نزدیک عصر)، (دربایست: نیاز)  
 (۲) (روضه: گلزار)، (ندیم: همنشین)، (لختی: اندکی)  
 (۳) (رقت: یادداشت)، (مؤگد: استوار)، (مقرون: همراهی)  
 (۴) (افگار: زخم)، (بی‌شبهت: بی‌تردید)، (درست: سالم)

۹۲۹- معنی مقابل کدام واژه نادرست است؟

- (۱) وبال: سختی و عذاب، گناه (۲) محجوب: پنهان، مستور، پوشیده  
 (۳) همایون: خجسته، مبارک، فرخنده (۴) کافی: کفایت، لایق، کارآمد

۹۳۰- معنای درست واژه‌های «فراخ‌تر، فراغ، کراهیت، کوشک» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) آسوده‌تر، آسایش، ناصواب، قصر (۲) راحت‌تر، آسوده، ناپسندی، کاخ  
 (۳) راحت‌تر، آسودگی، ناپسندی، قصر (۴) آسوده‌تر، آسودگی، زشت، کاخ

۹۳۱- در کدام گزینه، معنی واژه‌ای غلط آمده است؟

- (۱) (دربایست: ضرورت) (یک دوال: یک لایه)  
 (۲) (زایل‌شدن: برطرف‌شدن) (زر پاره: زر سگه‌شده)  
 (۳) (شرع: سایه‌بان) (ناو: کشتی)  
 (۴) (رقت: امضای پادشاه) (صلت: پاداش)

۹۳۲- معنی کدام واژه در مقابل بیت نادرست آمده است؟

- (۱) ای بر درت خیل و حشم بیرون خرام ای محتشم  
 (۲) شنیدم که پیری به راه حجاز  
 (۳) گرفتم دوال کمربند اوی  
 (۴) در مظالم ملک را توقیع تو حیل‌المتمین  
 زیرا که سرمست و خوشم زان چشم مست دلربا (خدمتکاران)  
 به هر خطوه کردی دو رکعت نماز (قدم)  
 بیفشاردم سخت پیوند اوی (چرم)  
 در ضیافت خلق را احسان تو حسن‌المآب (سفارش)

۹۳۳- از میان واژگان زیر چند واژه نادرست معنی شده است؟

- (اطبّا: پزشکان)، (زر پاره: قراضه و خرده زر)، (خطوات: گام‌ها)، (مقارب: در کنار هم)، (مطرب: موسیقی)، (مؤگد: تأکیدکردن)، (مخنقه: گردن‌بند)، (مبشّر: مژده‌رسان)، (نماز پیشین: نماز عصر)، (غزو: جنگ‌کردن با کافران)، (خبلتاش: هر یک از سپاهبانی که از یک دسته باشند)  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹۳۴- معنای مقابل کدام واژه نادرست است؟

- (۱) فرود سرای: اندرونی، اتافی در خانه که پشت اتافی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران  
 (۲) مرغزار: زمینی که دارای سبزه و گل‌های خودرو است.  
 (۳) یوز: جانوری شکاری، کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار می‌روند.  
 (۴) سرسام: سردرد و سرگیجه که موجب تب و تهوع می‌شود.

۹۳۵- در تمام گزینه‌ها، معنی واژه‌ای غلط آمده است، به جز .....

- (۱) (ستدن: یافتن)، (صعب: دشوار)، (نکت: نکته‌ها)، (لله درگما: خدا شما را خیر بسیار دهد)  
 (۲) (خیرخیر: نگاه گستاخانه)، (راغ: دامنه سبز کوه)، (شبگیر: پیش از صبح)، (وزر: گناه)  
 (۳) (علت: بیماری)، (عقد: گردن‌بند)، (ضیعت: زراعت)، (مهمات: کارهای مهم و خطیر)  
 (۴) (عارضه: حادثه)، (سور: جشن)، (گداختن: ذوب‌کردن)، (گرامت‌زده: تاوان‌زده)

۹۳۶- معنی چند واژه در مقابل آن غلط است؟

- (مقرون: همراه و پیوسته)، (سبحان الله: شگفتا)، (قضا: سرنوشت)، (شبگیر: اوّل شب)، (کران: ساحل)، (علت: حادثه)، (وزر: بار سنگین)، (فیروزه‌فام: به رنگ فیروزه)، (عزوجلّ: عزیز است و بزرگ و ارجمند)، (فارغ‌شدن: آسوده‌شدن از کار)  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹۳۷- در کدام گزینه معنی بعضی واژه‌ها نادرست است؟

- (۱) (هزاهز: آشوب) (عمید: بزرگ و سرور) (گسیل‌کردن: روانه‌کردن)  
 (۲) (مثال‌دادن: نمونه‌آوردن) (شماردادن: حساب‌پس‌دادن) (عرصه: میدان)  
 (۳) (شاهد: زیبارو) (غریو: فریاد) (تشویش: بی‌قراری)  
 (۴) (عرضه‌ده: نمایانگر) (توقیع‌کردن: مهرزدن) (اعیان: بزرگان)

۹۳۸- فعل از مصدر «برنشستن» در کدام بیت معنی متفاوتی دارد؟

- ۱) روزی چو پادشاهان خواهیم که برنشینی
  - ۲) گفتم کلید حجره به من ده تو برنشین
  - ۳) بیاتا بادپایان برنشینیم
  - ۴) یکی باره گامزن برنشین
- تا بشنوی ز هر سو فریاد دادخواهی  
این مرده‌ریگ را تو به آهستگی بیار  
رویم احوال جرم را باز بینیم  
مباش ایچ ایمن به توران‌زمین

۹۳۹- معنی درست این واژه‌ها «ادبار، حمیت، شوریده‌رنگ، زرخدان» به ترتیب، کدام است؟

- ۱) خوشبختی، مردانگی، خسته، چاله چانه
- ۲) بدبختی، یاری‌رساندن، شیفتگی، چاله چانه
- ۳) سیه‌روزی، جوانمردی، آشفته‌حال، چانه
- ۴) خوشبختی، سعی‌کردن، بدحال، چانه

۹۴۰- واژه «محبوب» در کدام گزینه می‌تواند معنی متفاوتی داشته باشد؟

- ۱) گرچه محبوب از نظر کرده است بی‌جایی تو را
  - ۲) به دست طفل محجوبی سپردم غنچه دل را
  - ۳) حسن او پیداست ما محجوب هستی خودیم
  - ۴) چنین تا کی من از تو بی‌خود و تو بی‌خبر باشی
- هم‌چنان جوید ز هر جایی تماشایی تو را  
که دست از آستین هرگز نیارد از حیا بیرون  
شد حجاب روی جانان پرده پندار ما  
تو محجوب از من و من آرزومند لقا باشم

املا

۹۴۱- در گروه کلمات زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟

(ندیمان و مطربان)، (غرقه و فرورفته)، (هزاهز و قریو)، (تشویش و اضطراب)، (وزیر و اعیان)، (صدقه و تحفه)، (سعب و دشوار)، (پیراهن توزی)، (ناپسندی و کراهیت)، (مهم و خطیر)

- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۹۴۲- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) چو خویشان نتواند که می خورد قاضی
  - ۲) کافری مرگ است ای روشن‌نهاد
  - ۳) قاضی به دو شاهد بدهد فتوی شرع
  - ۴) ما از قضا به قاضی حاجت گریختیم
- ضرورت است که بر دیگران بگیرد سخت  
کی سزود با مرده قاضی را جهاد  
در مذهب عشق شاهده بس باشد  
کانچ از قضا رسید به طالب قضا ببرد

۹۴۳- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) از خوارق عادات روزگار که از پس پرده قضا بازی‌های نادر آرد ایمن نتوان بود.
- ۲) سپاس خداوندی را که بیبراست اشباح ما را به سجود وصل و در ما پوشید حله زندگی و بر ما کشید رقم زندگی.
- ۳) ایجاز سخن را به مصلحت دید تا بر این روضه غنا چون بهشت به هشت باب اتفاق افتاد.
- ۴) اگر جان و نفس فدای ذات و فراق او نگردانیم به کفران نعمت منسوب شویم، و به نزدیک اهل مرورت بی‌قدر گردیم.

۹۴۴- در کدام گروه از واژه‌ها غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱) (خیمه و شرع)، (سور و شادی)، (لشکر و رئیت)، (توقیح و امضا)
- ۲) (مقرون و پیوسته)، (درویش و مستحق)، (تب و سرصام)، (تشت و تاس)
- ۳) (محبوب و پنهان)، (بیماری و عارضه)، (کراهیت و ناپسندی)، (مخنقه و گردن‌بند)
- ۴) (آقاجی خادم)، (نامه و رقعت)، (زمین و ضیعت)، (هدیه و صلت)

۹۴۵- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«هنگام فراغت از مشغولی و به وقت عز توانگری از ذل درویشی و در صحت مزاج تن از عوارض بیماری یاد آر تا حق هر کسی پیش از فوات فرصت و صناع وقت گذارده شود. به صحبت دوستان نماز که صور آن از شیون قاصر است و اندوه بر شادی راجح، و با این همه درد فراق بر اثر و سوز هجر منتظر.»

- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۹۴۶- کدام بیت فاقد غلط املائی است؟

- ۱) من آن نیم که برای حتام بر در خلق
  - ۲) یک گره را خانه‌ها در غیبت وذر و بزه
  - ۳) روضه، چشم پر ز نازش را ز مستی دوخته
  - ۴) به مرغزار قضا از درخت باس و عمل
- بریزد این‌قدر آبی که هست در رویم  
یک گره را گنج‌ها بر طاعت و اهمال ماند  
ذکر حق لعل لبش را از عطاب انداخته  
دو شاخ طرفه دمدم برگ و بار از آتش و آب

۹۴۷- در کدام گزینه، غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خواست. امیر برخاست.
- (۲) در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه‌ای که خواهیم کرد حلال بی‌شبهت باشد.
- (۳) دوات خواست و توقیع کرد. تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود و خیل‌تاشان را گسیل کرده.
- (۴) خطوه‌اش در قرب هم در آن مرغزار گام برمی‌داشت و روزی سه چار بر این قاعده می‌رفت.

تاریخ ادبیات

۹۴۸- با توجه به متن زیر کدام گزینه درست است؟

«قاضی بست از کتاب ..... انتخاب شده که نویسنده آن ..... است، و زاغ و کبک از مثنوی ..... که سراینده آن ..... است.»

- (۱) تاریخ بیهق - ابوالحسن بولانی - تحفة الاحرار - جامی
- (۲) تاریخ بیهقی - ابوالفضل بیهقی - جوامع الحکایات - عوفی
- (۳) تاریخ بیهقی - ابوالفضل بیهقی - تحفة الاحرار - جامی
- (۴) کللیه و دمنه - ابوالمعالی نصرالله منشی - روضة خلد - مجد خوافی

آرایه‌های ادبی

۹۴۹- در کدام بیت، واژه «ماه» مجاز متفاوتی ساخته است؟

- (۱) همچو ماهی صید آن ماهم، که روزی بیست بار
- (۲) بی روی تو شد تیره از اشک مرا شبها
- (۳) آن ماه، رو اگر بنماید شبی به ما
- (۴) به سطری کز آن نامه می‌خواند ماه

۹۵۰- در همه ابیات به جز بیت گزینۀ ..... آرایه مجاز به کار رفته است.

- (۱) ز حرف تلخ در این‌جا زبان خویش بگز
- (۲) نکویان را عتاب و لطف با هم یار می‌باید
- (۳) داد رزق تو از دو دست و دو پای
- (۴) خروسی که بی‌گه نوا برکشید

۹۵۱- در کدام موارد واژه مشخص شده، «مجاز» است؟

- (الف) در کف دست کریمان نیست گوهر را قرار
- (ب) به ایـرآن فرستم فرستاده‌ای
- (ج) گفت خردپیشه که خاموش باش
- (د) این مُلک به شمشیر برای تو گشادند
- (ه) کسی را بُود زین سپس تخت تو

- (۱) ب - ج - د (۲) ج - د - ه (۳) الف - د - ه (۴) ب - ج - ه

۹۵۲- در کدام بیت آرایه «مجاز» به کار نرفته است؟

- (۱) آمد بهار، ای یار من، بشکفت گل‌ها در چمن
- (۲) تجلی‌زار می‌بینم سر خاک شهیدان را
- (۳) خیزم که نماند بیش ازین تدبیرم
- (۴) نخفت چشمم در راه لحظه‌ای گرچند

۹۵۳- در کدام بیت مجاز برجسته‌ای یافت نمی‌شود؟

- (۱) سلطان فرودین پی تاراج ملک دی
- (۲) سحر وزید نسیم طرب‌فزای بهار
- (۳) گر دماغ چمن از خوی تو بویی یابد
- (۴) فصل گل می‌گذرد بی قدح و جام مباش

۹۵۴- «مجاز» کدام گزینه از نوع استعاره نیست؟

- «ای صبا برگی از آن گلشن بی‌خار بیار»  
 (۱) گلشن (۲) حرف (۳) لعل (۴) گهر

۹۵۵- در کدام بیت، تعداد «مجاز» کم‌تر است؟

- (۱) دل ما را ز دست غم امان نیست
- (۲) یکی به غمزه جادو همی‌رباید دل
- (۳) چون شد شکسته کشتی صبر من در آب عشق
- (۴) نان ز راه دسترنج خویشان آور به دست

- نشان شادمانی در جهان نیست  
 یکی به خنجر هندو همی‌ستاند جان  
 خود را به هر چه هست گرفتار می‌کنم  
 گر کشی متت به جز متت‌کش بازو مباش



- «هرچند چو گل گوش فکندیم در این باغ  
حرفی که بَرَد راه به جایی، نشنیدیم»
- (۱) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره  
(۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی  
(۳) استعاره - مراعات نظیر - تشخیص - ایهام  
(۴) مجاز - ایهام - حس آمیزی - مراعات نظیر

۹۵۷- ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «تناقض، مجاز، ایهام و استعاره» کدام است؟

- (الف) به سلیمان برسانید که من  
چون نگین در کف هر دیو و ددم  
(ب) ما را ز زیر پر هست راهی به آن گلستان  
هرچند سخت بندد صیاد بال ما را  
(ج) منم که معنی بیگانه آشنای من است  
نهال خامه (= قلم) من باغ دلگشای من است  
(د) بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار  
زین به ندیده‌ایم که در بوستان توست
- (۱) ب - ج - الف - د  
(۲) ج - الف - د - ب  
(۳) ب - ج - د - الف  
(۴) ج - د - الف - ب

۹۵۸- در همه ابیات به‌جز بیت ..... همه آرایه‌های «تشبیه، جناس، مراعات نظیر و کنایه» یافت می‌شود؟

- (۱) نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان  
گر شما را نه بس این سود و زیان، ما را بس  
(۲) شکر شکر ز طوطی روان باز مدار  
دو سه روزی که بمانده است در این تیره‌قفس  
(۳) نه چو بلبل، منم آن سدره‌نشین شهباز  
کز هوای ملکوت آمدم این‌جا به هوس  
(۴) گل‌عداری ز گلستان جهان ما را بس  
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس

۹۵۹- در کدام ابیات «تشبیه و استعاره» هر دو به کار رفته است؟

- (الف) شب وصال تو چون باد بی وصال بود  
غم فراق تو گویی هزار سال بود  
(ب) روح ز تو خوب‌تر به خواب نبیند  
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند  
(ج) پیوند روح می‌کند این باد مشک‌بیز  
هنگام نوبت سحر است ای ندیم خیز  
(د) جان‌ها ز دام زلف چو بر خاک می‌فشانند  
بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو
- (۱) الف - ب  
(۲) الف - ج  
(۳) ب - د  
(۴) ج - د

۹۶۰- در مصراع اول بیتی که تلمیح یا تمثیل ندارد، چند استعاره به کار رفته است؟

- (۱) چنین گفت پیغمبر راستگوی  
ز گهواره تا گور دانش بجوی (یکی)  
(۲) چه گفت آن سخنگوی پاسخ‌نیوش  
که دیوار دارد به گفتر گوش (یکی)  
(۳) بگسترد کافور بر جای مشک  
گل و ارغوان شد به پالیز خشک (دوتا)  
(۴) آسمان بار امانت نتوانست کشید  
قرعه کار به نام من دیوانه زدند (دوتا)

۹۶۱- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

- «قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد  
که همچون دژه در مهرش گرفتار هوا ماند»
- (۱) تشبیه - ایهام - مجاز  
(۲) تشبیه - استعاره - ایهام تناسب  
(۳) استعاره - کنایه - مجاز  
(۴) استعاره - ایهام تناسب - جناس

۹۶۲- هر دو آرایه مقابل کدام بیت درست است؟

- (۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان  
پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل - جناس)  
(۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز  
وان‌گه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)  
(۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری  
که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)  
(۴) اسباب پریشانی، جمع است برای من  
جمعیت اگر خواهی زان طَرّه پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

## دستور زبان

۹۶۳- در هر یک از ابیات زیر، به استثنای بیت ..... واژه‌ای آمده که با کلمه «دبیر» رابطه معنایی «تناسب» دارد.

- (۱) مبشّران سعادت بر این بلند رواق  
همی‌کنند نندا، در ممالک آفاق  
(۲) اگر ز گوشه خاطر نبرده است مرا  
چرا به گوشه مکتوب می‌بَرَد نامم؟  
(۳) آب حیات در ظلمات دوات توست  
این چشمه‌سار، زندگی جاودان دهد  
(۴) صورت این قصه دانی چیست؟ یعنی قاصدی  
رقعه‌ای از حال درویشی به سلطان می‌بَرَد

۹۶۴- کدام گزینه در بردارندهٔ واژه‌ای است که با کلمهٔ «عَلَّت» در بیت زیر، رابطهٔ معنایی «تناسب» دارد؟

- «پرهیز مکن ز کیمیایی که از او  
 ۱) خرد، دوش از من بپرسید و گفتا  
 ۲) ای روی خوب تو سبب زندگانی‌ام  
 ۳) ای دلیل دل گمگشته، خدا را مددی  
 ۴) شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود»

۹۶۵- در کدام گزینه «جملهٔ مجهول» دیده می‌شود؟

- ۱) چون به آن چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟  
 ۲) دوات خواست و توقیع کرد و گفت: چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آئی.  
 ۳) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.  
 ۴) ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت. و سوری و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

۹۶۶- در کدام گزینه فعلی آمده که به نهادی که قبلاً مفعول بوده، نسبت داده شده است؟

- ۱) زلف گرد زنجش دوش که گمره شده بود  
 ۲) ای خوشا کشته‌شدن بر در خوبان که اگر  
 ۳) شب به یاد آن لب خموش گذشت  
 ۴) داغ دارد شعلهٔ سرگرمیم خورشید را

۹۶۷- در همهٔ ابیات فعلی وجود دارد که با آوردن «شده» می‌توان مستقیم آن را به مجهول تبدیل کرد، به جز:

- ۱) دوانیده است از بس ریشه خشکی در گلستانم  
 ۲) گفت «عَمَّان» ز چه رو دم زنی ز آتش عشق  
 ۳) محمّد گفته باشد در حقیقت  
 ۴) هم اندر زمان باز (= باج) خواهان روم

۹۶۸- در کدام عبارات، «جملهٔ مجهول» آمده است؟

- الف) در این دو سه روز، بار داده آید که عَلَّت و تب تمامی زایل شد.  
 ج) سجدهٔ شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر و نامه نبشته آمد.

ب) یک دوال پوست و گوشت بگسست و هیچ نمانده بود از غرقه‌شدن.

د) پس، از اسب تازی پیاده شد و بر مرکب پارسی سوار گشت.

۲) ب - د

۴) ج - د

۱) الف - ب

۳) الف - ج

۹۶۹- فعل مجهول بیت زیر از کدام فعل معلوم ساخته شده است؟

- «پس جای چون بود، چو بود زنده؟  
 ۱) گوید  
 ۲) گفتم  
 ۳) گفت  
 ۴) گفته بود»

۹۷۰- در کدام بیت «فعل مجهول» به کار رفته است؟

- ۱) از نور طلعت او دیده شود منور  
 ۲) به پرسش من در خون نشسته می‌آید  
 ۳) لعل تو در خنده شد رشتهٔ پروین گسست  
 ۴) جهانجوی اگر کشته گردد به نام

۹۷۱- در چند بیت، فعل مجهول به کار رفته است؟

- الف) نه او کشته آید به جنگ و نه من  
 ب) سیمی که مرا باید از دیده شود حاصل  
 ج) یا فتنه نباید شد تا کس نشود فتنه  
 د) دلی که تیره ز اوضاع روزگار شده است  
 ه) شنیده بود حال مرد عاشق
- ۱) چهار  
 ۲) سه  
 ۳) دو  
 ۴) یک

۹۷۲- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در همهٔ ابیات زیر، به جز بیت ..... یکسان است.

- ۱) زنگ زدود آینهٔ باغ را  
 ۲) نادره‌کبکی به جمال تمام  
 ۳) هم حرکاتش متناسب به هم  
 ۴) کرد فرامش ره و رفتار خویش
- ۱) زنگ زدود آینهٔ باغ را  
 ۲) نادره‌کبکی به جمال تمام  
 ۳) هم حرکاتش متناسب به هم  
 ۴) کرد فرامش ره و رفتار خویش

۹۷۳- جمله هسته (پایه) در کدام بیت دارای «مفعول» است؟

- (۱) از پری‌خانه چین باج ستاند فانوس
- (۲) گریه شادی ما تلخ نگرده «صائب»
- (۳) فتنه صد انجمن، آشوب صد هنگامه‌ایم
- (۴) از باد خزان سرد نگرده دل گرمش

۹۷۴- در جمله پایانی عبارت «اگر وی را یک روز دیده بودمی و احوال و عادات وی بدانسته، واجب کردی که در مدت عمر، پیروی او کردمی؛ پس چه جای آن که

سال‌ها دیده‌ام» کدام اجزای جمله به «قرینه لفظی» حذف گردیده است؟

- (۱) نهاد جدا - متمم (۲) نهاد جدا - مفعول (۳) مفعول - مسند (۴) متمم - فعل

(تهری ۹۹)

۹۷۵- در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟

- (۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.
- (۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج بازگرفت.
- (۳) صحرا را دریایی دریافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.
- (۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.

### ا قرابت معنایی ا

۹۷۶- مفهوم عبارت «مثال داد تا هزار هزار درم به عَزَین و دو هزار هزار درم به دیگر ممالک، به مُسْتَحَقَّان و درویشان دهند. شکر این را» با کدام بیت متناسب‌تر است؟

- (۱) محابا نیست از برق حوادث خوشه‌چینان را
- (۲) دامان سایلان، سپر برق آفت است
- (۳) ای پادشاه سایه ز درویش و مگیر
- (۴) ز خوان منعمان محروم سایل بر نمی‌گردد

۹۷۷- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی دارد؟

«می‌شنویم که قاضی بُست بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگدستاند و از کس چیزی نستانند و اندک‌مایه صیغتی دارند. یک کیسه به پدر باید داد

و یک کیسه به پسر، تا خوبستن را صَبَعْتْکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست.»

- (۱) شب است و وادی و گم‌کرده راهم
- (۲) ز خیل آن سگانم کاو ندارد
- (۳) ببخشا بر تهی‌دستان خدا را
- (۴) عجب دارم که چون میرم به این سوز

(ریاضی ۸۲)

۹۷۸- هدف از به جای آوردن تدابیر زیر با توجه به داستان «قاضی بست» بیهقی چه بوده است؟

«باقتم خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده و امیر را یافته آن‌جا بر زبر تخت نشسته پیراهن توزی، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و

بوالعلا طیب آن‌جا زَبَر تخت نشسته دیدم.»

- (۱) تخفیف میزان تب و اعتدال دمای بدن امیر
- (۲) آماده‌کردن امیر جهت جراحی و شکافتن جراحت
- (۳) مساعدکردن محیط برای اقدام به زخم‌بندی
- (۴) کاهش خشم امیر و ایجاد مکانی مناسب جهت آرامش روانی

(هنر ۸۷)

۹۷۹- عبارت «آن‌چه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) درویش را که ملک قناعت مسلم است
- (۲) گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی‌ست
- (۳) در قناعت که تو را دسترس است
- (۴) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم

(تهری ۹۱)

۹۸۰- دلیل «پرهیز از تنعم و عدم پذیرش صله» در کدام عبارت متفاوت است؟

- (۱) چون به آن‌چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، به چه کار آید؟
- (۲) به زندگی درویشانه قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که بیشتر از آن احتیاج نداشت.
- (۳) آن‌چه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.
- (۴) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده این نشوم.

۹۸۱- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) حریصی مکن کاین سرای تو نیست
- (۲) پهلوی چرب غنا ارزانی دونه‌متان
- (۳) در ملک خاکساری رسم است اهل دل را
- (۴) نمی‌خورد غم روزی کسی که قانع شد

(تبریزی ۹۹)

۹۸۲- عبارت: «این صلت، فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) گرفتمت که هزاران متاع از این سان هست
- ۲) به راحت نفسی رنج پایدار مجوی
- ۳) نکنم رغبت دنیا که متاعی است قلیل
- ۴) غایت کام و دولت است آن که به خدمت رسید

۹۸۳- عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.» با

(تبریزی ۹۲)

همه ابیات به جز ..... تناسب مفهومی دارد.

- ۱) اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد
- ۲) مکن باور که هرگز تر کند کام
- ۳) عقاب آن‌جا که در پرواز باشد
- ۴) با عقاب تیزچنگ و با همای خوب‌پر

۹۸۴- کدام گزینه با عبارت «حساب خود این‌جا کن، آسوده دل شو/ میفکن به روز جزا کار خود را» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) می‌مخور رقص مکن عشق مجو یار مگیر
- ۲) اگر داری به زیر خاک چشم خواب آسایش
- ۳) خود حسابان نگذارند به فردا کاری
- ۴) حساب روز قیامت به خود کنم آسان

(هنر ۹۳)

۹۸۵- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) قناعت کن ای نفس بر اندکی
- ۲) خنک نیک‌بختی که در گوشه‌ای
- ۳) قناعت سرافرازد ای مرد هوش
- ۴) مرو در پی هر چه دل خواهدت

(ریاضی خارج ۹۷)

۹۸۶- عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «نگویم که مرا سخت دریاست نیست اما چون به آن چه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این، به چه کار آید؟»
- ۱) خوی کبک، صلح و خوی باز، جنگ
  - ۲) به کم از قدر خود مشو راضی
  - ۳) ما درخور صید تو نباشیم ولیکن
  - ۴) اگر پَر طاووس باشد به باغ

(ریاضی ۹۹)

۹۸۷- مفهوم حدیث «حاسبوا قبل ان تُحاسبوا» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- ۱) در زمان خط، مدار چشم او بر مردمی است
- ۲) زان خلیق که درآیند به دیوان حساب
- ۳) صبح پیری نیست گر صبح قیامت، از چه کرد
- ۴) سنگ کم در پلّه میزان خجالت می‌کشد

(انسانی خارج ۹۹)

۹۸۸- عبارت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «حساب خود این‌جا کن آسوده دل شو
- ۱) دم نشمرده محال است برآرد چون صبح
  - ۲) گشود دفتر انصاف خط، مهیا شو
  - ۳) خود حسابی خط پاکی است ز دیوان حساب
  - ۴) از سینه برنیارد نشمرده یک نفس را

(زبان ۹۸)

۹۸۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) بهشت جاودان خواهی به دل خوردن قناعت کن
- ۲) مپنندار کاین قول معقول نیست
- ۳) لب‌بسته در محیط صدف کرد زندگی
- ۴) هر که به خس کرد قناعت، خسی است

(فارج ۹۸)

۹۹۰- مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند به جز .....

- ۱) چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
- ۲) چرا تا زَر و داروویت هست از درد بخروشی؟
- ۳) چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه‌چین استی؟
- ۴) چه زنگی می‌توان از دل ستردن با سیه‌رایی؟

۹۹۱- کدام بیت با بیت «عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته» ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) در حلقه تقلید گرفتار نگشتیم  
 (۲) چه قدر راه به تقلید توان پیمودن؟  
 (۳) قمری از پاس غلط در حلقه تقلید ماند  
 (۴) ریسمان بازی تقلید بود پیشه عقل

خود را به سرپایرده خورشید رساندیم  
 رشته کوتاه بود مرغ نوآموخته را  
 ورنه در روی زمین سروی به اندام تو نیست  
 عشق با شبحه (=تسبیح) و زتار (=کمر بند مسیحیان) نمی پردازد

۹۹۲- کدام بیت با سایر ابیات تقابل مفهومی دارد؟

- (۱) به امـارات عقل دان و حواس  
 (۲) عالم تقلید یکسر دامگاه گفت و گوست  
 (۳) از ره تقلید نتوان بهره عزت گرفت  
 (۴) تقلید چند باید در جلوه گاه تحقیق؟

یا به تقلید مرد راه شناس  
 جز صدا در خانه زنجیر نتوان یافتن  
 نشئه جمعیت گوهر نباشد زاله را  
 پامال نور شمع است رنگ لقای نرگس

۹۹۳- همه ابیات به جز بیت ..... به «عدم تقلید کورگورانه» توصیه می کند.

- (۱) چند منقاد هر کسی باشی؟  
 (۲) هم ز خود جوی هر چه می جویی  
 (۳) خود پسندی مکن که اهل نظر  
 (۴) پی تقلید رفتن از کوری است

جهد کن تا که خود کسی باشی  
 که به غیر از تو در جهان کس نیست  
 کم پرستند خود پرستان را  
 در هر کس زدن ز بی نوری است

۹۹۴- مفهوم همه ابیات به جز بیت ..... «دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابه جاست».

- (۱) مشوم مقید همراه اگر چه توفیق است  
 (۲) در پس آینه طوطی صفتم داشته اند  
 (۳) خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن  
 (۴) از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال

که از جریده روی کار مهر بالا رفت  
 آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم  
 تن به تتبع مده مخترع کار باش  
 هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود

۹۹۵- سفارش کدام بیت به «اتکای به نفس و عدم وابستگی به غیر» است؟

- (۱) ز خود چو مایه ندارد از آن بکاهد ماه  
 (۲) به دست خواجه دهند آستین دولت را  
 (۳) بخر به جان گران مایه وصل جانان را  
 (۴) مراد اهل دل از دیر و کعبه بیرون است

همیشه از گهر خود چو گل زرافشان باش  
 تو خواه راضی از این داده، خواه نالان باش  
 وگرنه تا به ابد مستعد هجران باش  
 برون ز دایره کافر و مسلمان باش

۹۹۶- مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟

- «عاقبت از خامی خود سوخته  
 کرد فراموش ره و رفتار خویش  
 (۱) کلاغی تک (= دویدن) کبک در گوش کرد  
 (۲) مار را هر چند بهتر پروری  
 (۳) مسکین خرد آرزوی دم کرد  
 (۴) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار

رهروی کبک نیاموخته  
 مانند گرامت زده از کار خویش»  
 تک خویشتن را فراموش کرد  
 چون یکی خشم آورد کیفر بری  
 نایافته دم، دو گوش گم کرد  
 کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست؟

۹۹۷- کدام گزینه با بیت «عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته» تناسب معنایی دارد؟

- (۱) طبع دون از ره تقلید به نیکان نرسد  
 (۲) اگر خود را تو می دانی و گر غیر تو می خوانم  
 (۳) کی شراب صرف توحیدم رسد  
 (۴) راهرو چون سیل می باید که بر دریا زند

پای اگر خواب کند چشم نخوانند او را  
 به حکم عجز حیرانم چه تحقیق و چه تقلیدم  
 گر رسد بویی ز تقلیدم رسد  
 پیش پای خویش دیدن راه ما را دور کرد

۹۹۸- عبارت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «حساب خود این جا کن آسوده دل شو  
 (۱) دم نشمرده محال است برآرد چون صبح  
 (۲) گشود دفتر انصاف خط، مهیا شو  
 (۳) خود حسابی خط پاکی است ز دیوان حساب  
 (۴) از سینه برنیارد نشمرده یک نفس را

میفکن به روز جزا کار خود را»  
 هر که در مد نظر روز حسابی دارد  
 که بی حساب تو را نوبت حساب رسید  
 آنچه امروز توان کرد به فردا مگذار  
 چون صبح هر که در دل بیم حساب دارد

(زبان ۸۵)

(ریاضی ۸۴)

(ریاضی ۹۰)

(ریاضی ۸۸)

(انسانی ۹۹)

۹۲۸- گزینه ۲ ۱ چاشتگاه: نزدیک ظهر، هنگام چاشت ۳ مقرون:

پیوسته، همراه ۴ افکار: مجروح، خسته

۹۲۹- گزینه ۴ «کافی» به معنی «باکفایت» است نه کفایت، چون «کافی» صفت است نه اسم.

۹۳۰- گزینه ۳ فراخ‌تر: آسوده‌تر، راحت‌تر/ فراغ: آسایش، آسودگی/ کراهیت: ناپسندی/ کوشک: ساختمانی بلند، وسیع و زیبا که اغلب در میان باغ قرار گرفته است؛ قصر، کاخ

۹۳۱- گزینه ۴ «زُفَعَت» به معنی رقعہ، نامۀ کوتاه و یادداشت است.

۹۳۲- گزینه ۴ «توقیع» به معنی مهر یا امضای پادشاهان و بزرگان در ذیل یا بر پشت فرمان یا نامه است.

۹۳۳- گزینه ۲ ۱- مطرب: آوازخوان، نوازنده ۲- مؤکد: تأکیدشده، استوار ۳- نماز پیشین: نماز ظهر

۹۳۴- گزینه ۴ «سرسام» به معنی توڑم سر و مغز و پرده‌های آن که یکی از نشانه‌های آن هذیان بوده است.

۹۳۵- گزینه ۴

۱ سندن: ستاندن، دریافت کردن ۲ خیرخیر: سریع ۳ ضیعت: زمین زراعی

۹۳۶- گزینه ۲ ۱- شبگیر: سحرگاه، پیش از صبح ۲- علت: بیماری

۹۳۷- گزینه ۲ مثال‌دادن: فرمان‌دادن

۹۳۸- گزینه ۱ در بیت اول «برنشین» یعنی بر تخت بنشین اما در سایر ابیات به معنی «سوارشدن» آمده است.

۹۳۹- گزینه ۳ ادبار: بدبختی، سیه‌روزی، متضاد اقبال/ حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی/ شوریده‌رنگ: آشفته‌حال/ زنخندان: چانه

۹۴۰- گزینه ۲ «محجوب» در این گزینه می‌تواند به معنی «باحیا و باشرم» معنی شود، اما در گزینه‌های دیگر این واژه قطعاً به معنی «در حجاب، در پرده و پوشیده» به کار رفته است.

۹۴۱- گزینه ۲ ۱- قریو ← غریو/ ۲- سعب ← صعب

۹۴۲- گزینه ۲ «قاضی» در ابیات (۱)، (۳) و (۴) یعنی حکم‌کننده، قضاوت‌کننده، اما در بیت دوم، مقصود شاعر «غازی» است یعنی جنگجو، غزوکننده.

۹۴۳- گزینه ۴ در گزینه (۴) «فراق» (دوری) نادرست است و املا صیحح آن «فراغ» (آسودگی) است.

۹۴۴- گزینه ۳ ۱ رثیت ← رعیت ۲ سرصام ← سرسام ۴ آقاجی ← آغاجی

۹۴۵- گزینه ۲ ۱- گذارده ← گزارده ۲- صور به معنی شیپور ← سور به معنی شادی

در این متن، «حق گزارده شود» آمده، یعنی اداکردن حق و در این معنی، واژه «گزاردن» صحیح است.

۹۴۶- گزینه ۴ ۱ حتام ← حطام به معنی مال دنیا ۲ وذر ← وزر به معنی گناه ۳ روزه ← روزه به معنی روزه‌داری ماه رمضان/ عتاب

۹۴۷- گزینه ۱ غریو خواست ← غریو خاست (= برخاست)

۹۴۸- گزینه ۳

۹۴۹- گزینه ۲ «ماه» در بیت گزینه (۲) مجازاً «نور ماه» است، اما در گزینه‌های دیگر «ماه» استعاره از یار و دوست است.

۹۵۰- گزینه ۳ در این بیت، همه کلمات حتی دست و پا در معنی حقیقت به کار رفته‌اند.

مجاز در سایر گزینه‌ها: ۱ حرف ← سخن ۲ زبان ← سخن ۴ سر ← گردن ۹۵۱- گزینه ۲ «ح»: مجاز: گوش ← شنونده/ «د»: مجاز: شمشیر ← جنگ و قدرت و ستیز/ «ه»: مجاز: تخت ← پادشاهی

۹۵۲- گزینه ۳ در بیت گزینه (۳)، همه کلمات در معنی حقیقی و وضع‌شده خود به کار رفته‌اند.

مجاز در سایر گزینه‌ها: ۱ «گل» ← غنچه/ «چمن» ← باغ و بوستان ۲ «خاک» ← گور و قبر ۴ «چشم» ← کل وجود شاعر

۹۵۳- گزینه ۲ مجازها در ابیات دیگر: ۱ فرودین ← بهار/ دی ← زمستان ۳ چمن ← گلستان و باغ ۴ فصل گل ← بهار/ قح و جام ← محتویات درون آن‌ها یعنی شراب/ گره ← دردسر و گرفتاری

۹۵۴- گزینه ۲ «حرف» ← سخن و پیام

بررسی مجازهای دیگر: استعاره: گلشن ← کوی یا رهگذر یار استعاره: لعل ← لب و دهان

استعاره: گهر ← سخنان یار

۹۵۵- گزینه ۳ آب: مجازاً دریا یا رود بزرگ

مجازها در ابیات دیگر: ۱ دست ← توان و قدرت/ جهان ← مردم ۲ جادو ← جادوگر/ خنجر ← ابرو یا مژه ۴ نان ← رزق و روزی/ بازو ← کاری که آدم با دست و بازوی خود انجام می‌دهد.

۹۵۶- گزینه ۱ تشبیه: چو گل/ مجاز: حرف ← سخن «حرف» جزئی از سخن است و مجازاً به معنای سخن به کار رفته است. - باغ (مجاز از نوع استعاره)/ کنایه: راه به جایی بردن ← به مقصد و مقصود رسیدن/ استعاره: باغ ← دنیا (با توجه به آرایه حس‌آمیزی به راحتی می‌توانستید گزینه‌های (۲) و (۴) را حذف کنید).

۹۵۷- گزینه ۲ «الف» ← مجاز: نگین ← انگشتری/ «ب» ← استعاره: گلستان ← عالم معنویت و عشق/ «ج» ← تناقض: معنی بیگانه، آشنای من است/ «د» ← ایهام: به: (۱) بهتر ۲) میوه به:

۹۵۸- گزینه ۴ تشبیه: گل‌عذار (چهره چون گل؛ عذار = چهره) - گلستان جهان/ مراعات نظیر: گل، گلستان، چمن و سرو

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تشبیه: بازار جهان/ جناس: بازار و آزار/ مراعات نظیر: نقد، بازار، سود و زیان/ کنایه: بس بودن سود و زیان چیزی ← رهاکردن آن چیز ۲ تشبیه: «شکر شکر» و «طوطی روان»/ جناس: شکر و شکر/ مراعات نظیر: شکر، طوطی و قفس/ کنایه: شکر از روان بازنداشتن ← شکرگزار بودن و کنایه: دو سه روز ← زمان اندک ۳ تشبیه: من [مثل] آن شهباز سدره‌نشین هستم/ جناس: هوا و هوس/ مراعات نظیر: سدره، ملکوت/ کنایه: سدره‌نشین بودن ← داشتن مقام والا و مقرب‌بودن (سدره) یا «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى» درختی در آسمان هفتم است).

۹۵۹- گزینه ۳ «ب» ← تشبیه: آفتابی چون تو/ استعاره از نوع تشخیص: «خواب‌دیدن روح» و «چشم فلک»/ «د» ← تشبیه: دام زلف/ استعاره از نوع تشخیص: ای صبا (شاعر با باد صبا سخن گفته است).

بررسی سایر ابیات: «الف» ← تشبیه: شب وصال تو چون باد/ استعاره: ندارد. «ج» ← تشخیص و استعاره: «پیوندکردن به دست باد» و «بیختن و غربال کردن به دست باد»/ تشبیه: ندارد.

۹۶۰- گزینه ۳ استعاره: کافور ← موی سپید - مشک ← موی سیاه/ تلمیح یا تمثیل: ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تلمیح به حدیث مشهور پیامبر اکرم ﷺ: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (از گهواره تا گور علم و دانش بجوئید)/ استعاره: ندارد. ۲ مصرع

بررسی ابیات دیگر: ۱ دیده (چشم) از نور طلعت او منور شود. (دیده به معنی چشم است). ۲ به پرشش من «در خون نشسته» می‌آید. (از یک سو «نشستن» گذرا به مفعول نیست تا به صیغه مجهول درآید! از سوی دیگر «در خون نشسته» قید است). ۳ «خنده» صفت مفعولی نیست که ما «در خنده شد» را فعل مجهول بگیریم! «سرمست» صفت مفعولی نیست که «سرمست گشت» را فعل مجهول بدانیم!

۹۷۱- گزینه ۴ «الف»: کشته آید ← کشته شود: فعل مجهول  
 بررسی ابیات دیگر: «ب»: دیده متمم است. می‌خواهیم بگوییم فعل مصراع اول «حاصل شود» است، نه «دیده شود».  
 «ج» و «د»: «شد» فعل اصلی است. در فعل مجهول «شدن» کمکی یا معین است.  
 «ه»: پیاده (مسند) + گشت (فعل)

نکته

اگر «پیاده» صفت مفعولی می‌بود، می‌توانستیم فعل مجهول داشته باشیم، مثل: کشته گشت.

۹۷۲- گزینه ۴ «ره»: در این بیت، مفعول است و سایر واژه‌ها نقش مسندی دارند.  
 ۱ رخ راغ: نهاد/ خال سیه: مسند/ گشت: فعل اسنادی ۲ نادره کبک: نهاد/ شاهد آن روضه: مسند/ [بود]: فعل اسنادی ۳ خطواتش: نهاد/ متقارب: مسند/ [بود]: فعل اسنادی ۴ ره و رفتارِ خویش را: مفعول/ فراموش کرد: فعل/ [زاغ]: نهاد  
 ۹۷۳- گزینه ۱ جمله‌های هسته عبارت‌اند از: ۱ از پری‌خانه چین باج ستاند فانوس ← باج: مفعول ۲ گریه شادی ما تلخ نگردد: فعل، اسنادی است. ۳ فتنه صد انجمن، آشوب صد هنگامه هستیم: فعل، اسنادی است. ۴ از باد خزان سرد نگردد: فعل، اسنادی است.

۹۷۴- گزینه ۲ جمله پایانی: پس چه جای آن که [من]: نهاد/ جدا، سال‌ها، اوی را[: (مفعول) دیده‌ام.  
 ۹۷۵- گزینه ۴ برای واژه «دبیر» می‌توان توجیهی آورد تا نظرمان به نظر طراح کنکور نزدیک شود:

دبیر: معنای پیشین: نویسنده و منشی دربار - معنای جدید: معلم دوره متوسطه  
 ۹۷۶- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و مفهوم ۲ احسان و بخشش موجب سلامتی و عافیت است. / صدقه بلایا را دور می‌کند.  
 مفهوم سایر گزینه‌ها: ۱ عافیت در فقر است. ۳ دعوت به احسان ۴ دعوت به احسان

۹۷۷- گزینه ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۳ درویش‌نوازی  
 مفهوم سایر گزینه‌ها: ۱ سرگستگی عاشق و ضرورت بهره‌مندی از راهنما ۲ خاکساری و پناه‌جویی عاشق ۴ سوز و گداز عاشق و جاودانگی عشق  
 ۹۷۸- گزینه ۱ تدابیری مانند «پردۀ تر کتان آویختن» و «گردن‌بندی از کافور در گردن آویختن» کار پزشک امیر بود به جهت پایین آوردن تب پادشاه، یعنی این موارد خاصیت تب‌زدایی داشتند.

۹۷۹- گزینه ۴ مفهوم محوری تست: «توصیه به قناعت و بیان ارزش آن».  
 مفهوم بیت ۴ چون درمانی برای دردم وجود ندارد، به همین درد قناعت و بسنده می‌کنم.

۹۸۰- گزینه ۴ قاضی بست نمی‌دانست که این سکه‌ها (صله) از راه حلال به دست آمده‌اند یا نه. (جنگ بر طریق مصطفی هست یا نه؟ آیا جنگ شما مشروع و به روش پیامبر بوده یا تجاوز به حریم دیگران بوده است؟)  
 اما در گزینه‌های دیگر دلیل عدم پذیرش صله، قناعت و پرهیز از زیاده‌خواهی دانسته شده است.

۹۸۱- گزینه ۳ مفهوم ۳ ستایش تواضع  
 مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: توصیه به قناعت و فقر اختیاری

دوم تمثیل است اما در مصراع اول استعاره وجود ندارد. ۴ تلمیح به آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب که به آیه «امانت» مشهور است و ترجمه آن این است: «همانا ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، آن‌ها از برداشتن آن، سر تافتند و از آن هراسیدند و انسان آن را بر دوش گرفت؛ به راستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.»  
 ۹۶۱- گزینه ۲ تشبیه: آن (عاشق) همچون ذره/ تشخیص و استعاره: گرفتار شدن ذره/ ایهام تناسب: «مهر» در معنی «عشق» به کار رفته است، اما در معنی «آفتاب» با «خورشید» تناسب دارد.

۹۶۲- گزینه ۴ پارادوکس: جمعیت (= آسودگی خاطر) را از یک چیز پریشان به دست آوردن/ مجاز: طَزه ← زلف (واژه «طَزه» در اصل به معنای «کناره و حاشیه» است؛ مویی را نیز که بر پیشانی ریخته می‌شده به «طَزه» تشبیه می‌کرده‌اند: در این بیت واژه «طَزه» در معنای حقیقی خود نیست و موی ریخته‌شده بر پیشانی یا تمامی زلف مد نظر است).

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ جناس: پیمانانه و پیمان/ حسن تعلیل: ندارد. ۲ ایهام: حالت ← (۱) چگونگی، وضع (۲) خوشی، سرمستی/ تلمیح: ندارد. ۳ جناس: چمن و سمن/ حس آمیزی: ندارد.

۹۶۳- گزینه ۱ «دبیر» به معنی نویسنده، به ترتیب با واژه‌های «مکتوب، دوات، رقع»، رابطه معنایی تناسب دارد.

۹۶۴- گزینه ۴ «علت» به معنی بیماری‌باری با «شربت، طبیب و بیمار» تناسب دارد.  
 ۹۶۵- گزینه ۲ «گسپیل کرده شود» فعل مجهول است.

● در فعل مجهول، مفعول به جای نهاد قرار می‌گیرد.  
 ۹۶۶- گزینه ۴ منظور از فعلی که به مفعول نسبت داده می‌شود، فعل مجهول است.

پخته گردد ← پخته شود: فعل مجهول  
 ● توجه کنید که در گزینه (۲) «کشته شدن» مصدری است و اسم محسوب می‌شود نه فعل.

۹۶۷- گزینه ۴ «رفته بودند» چون گذرا به مفعول نیست، بدون تغییر نمی‌توان مجهول کرد.

اثبات درستی سایر گزینه‌ها: ۱ دوانیده است ← دوانیده «شده» است ۲ دوخته بود ← دوخته «شده» بود ۳ گفته باشد ← گفته «شده» باشد

نکته

متوجه شده‌اید که برای مجهول‌ساختن افعالی که خود از صفت مفعولی ساخته شده‌اند، آوردن «شده» آن را مجهول می‌کند!

۹۶۸- گزینه ۳ «الف»: بار داده آید (داده شود)/ «ج»: نامه نبشته آمد (نوشته شد)

نکته

در عبارت «د» چون «پیاده» صفت مفعولی نیست، فعل مجهول نداریم.  
 ۹۶۹- گزینه ۱ «گفته شود» مضارع و معادل «گفته شود» است. پس ما باید در گزینه‌ها به دنبال فعل مضارع یعنی «گوید» باشیم.

نکته

وقتی مجهول باید متناسب با زمان فعل اصلی باشد و شناسه فعل‌ها هم باید تا حد امکان با یکدیگر منطبق باشند.

۹۷۰- گزینه ۴ «کشته گردد» فعل مجهول است (صفت مفعولی + فعل معادل «شدن»).

نکته

در گذشته برای مجهول کردن افعال علاوه بر «شدن» از «آمدن» و «گشتن» و «گردیدن» نیز استفاده می‌کردند.

۹۸۲- گزینه ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۳ مناعت طبع و بلندنظری و بی‌اهمیت دانستن دارایی دنیا و قناعت است.

مفهوم سایر گزینه‌ها: ۱ سخن بی‌ارزش خریدار ندارد (بیت از خاقانی است در هجو رشیدالدین وطواط، و در این بیت به او می‌گوید: اگر هزاران کالا از این نوع سخن داشته باشی، چه‌طور می‌توانی دیگران را بفربیی که خریدار کلامت شوند؟) ۲ نباید به دنبال خوشی کوتاه‌مدتی باشیم که رنج بسیار در پی دارد: برای یک لحظه راحتی، رنج زیاد را تحمل نکن که لذت شب‌نشینی و شراب به خمار صبحگاهی نمی‌آورد. ۴ خدمت در درگاه ممدوح مایه افتخار شاعر است.

۹۸۳- گزینه ۴ مفهوم محوری تست: «داشتن طبع و همت بلند» معنی ۴ آدم ضعیف (کبک) توان برابری با انسان‌های قوی (عقاب و هما) را ندارد.

۹۸۴- گزینه ۱ مفهوم ۱ دعوت به ترک گناه مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: خودحسابی و آخرت‌اندیشی

۹۸۵- گزینه ۲ مفهوم محوری تست: «قناعت مایه سرافرازی است.» معنی ۲ خوشا به حال کسی که در عزلت، توشه‌ای از معرفت به دست بیاورد.

۹۸۶- گزینه ۲ مفهوم محوری تست: «طبع و همت بلند داشتن/ حفظ عزت نفس»

مفهوم ابیات دیگر: ۱ هر کسی، خوی و خصلت خود را دارد. ۳ ما مناسب شکار تو (معشوق) نیستیم ولی در اختیار تو هستیم (بهرتر از باز شکاری پریده هستیم). ۴ با وجود طاووس، کسی رغبت به دیدن زاغ سیاه ندارد.

۹۸۷- گزینه ۴ در گزینه (۴) همانند صورت سؤال مفهوم خودحسابی آشکار است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ انسان خطاکار در زمان محاسبه ملایم و بی‌ادعا می‌شود. ۲ شاعر از مورد حسابرسی قرارگرفتن تعجب می‌کند. ۳ صبح پیری مثل صبح قیامت است؛ از آن رو برای حسابرسی عینک بر چشم می‌گذاریم.

۹۸۸- گزینه ۲ در ۳ همانند بیت سؤال سخن از این است که خودحساب از حساب قیامت در امان است. در سایر گزینه‌ها نیز از حساب کار خود را داشتن و بیم روز حساب سخن گفته شده ولی فقط در این گزینه خودحسابی مایه سبکباری در قیامت دانسته شده است.

۹۸۹- گزینه ۴ مفهوم محوری تست: «توصیه به قناعت» معنی ۴ به هر چیزی قانع مباش، هر چه، بهتر طلب کنی به بهتر از آن دست می‌یابی. / توصیه به همت بلند داشتن

۹۹۰- گزینه ۴ مفهوم محوری تست: «توصیه به استفاده‌کردن از داشته‌های خود» معنی ۴ «پرهیز از تنبلی و تن‌آسانی»

۹۹۱- گزینه ۴ مفهوم محوری تست: «پرهیز از تقلید و مذمت آن» معنی ۴ تقابل عقل و عشق

۹۹۲- گزینه ۱ ابیات (۲)، (۳) و (۴) به «نکوهش تقلید» پرداخته‌اند اما در بیت گزینه (۱)، تقلید را سبب شناخت می‌داند.

۹۹۳- گزینه ۳ بیت گزینه (۳)، «خودپسندی و غرور» را مذمت می‌کند. ۹۹۴- گزینه ۲ بیت گزینه‌های (۱) و (۴)، به پرهیز از تقلید نابه‌جا اشاره می‌کند و در بیت گزینه (۳) نیز، سخن از اختراع و نوآوری به میان آمده است، اما در بیت دوم به «جبرگرایی و اختیار نداشتن» اشاره کرده است.

۹۹۵- گزینه ۱ ماه، چون از خود نوری ندارد، از آن جهت کاسته می‌شود و به شکل هلال درمی‌آید، تو مثل ماه نباش بلکه مانند گل باش که چون خود، گوهر دارد همیشه زرافشانی می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ دولت و اقبال را به سروران می‌دهند، چه تو راضی باشی چه ناراضی. ۳ با جان عزیزت، وصال معشوق را به دست بیاور وگرنه تا ابد در هجران خواهی سوخت. ۴ صاحبان دل (عارفان)، مقصودشان تنها، خداوند است و هرگز در بند ظواهر امر نیستند.

۹۹۶- گزینه ۲ مفهوم مشترک تمامی ابیات: «آرزوی مثل دیگران شدن، خود بودن را نیز از آدمی می‌گیرد.» (سعی کن همیشه خودت باشی).

بیت دوم: مار تربیت‌پذیر نیست و نیش او ذاتی است (نیش عقرب نه از ره کین است/ اقتضای طبیعتش این است)

مفهوم کلی بیت ۲ بدذات تربیت‌پذیر نیست. ۹۹۷- گزینه ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۱ نکوهش تقلید/ ناکامی و بی‌بهرگی مقلد

مفهوم سایر گزینه‌ها: ۲ حیرت و بی‌خبری عاشقانه ۳ بهره‌مندی از تقلید ۴ بلندهمتگی و پاکبازی

۹۹۸- گزینه ۳ در ۳ همانند بیت سؤال سخن از این است که خودحساب از حساب قیامت در امان است. در سایر گزینه‌ها نیز از حساب کار خود را داشتن و بیم روز حساب سخن گفته شده ولی فقط در این گزینه خودحسابی مایه سبکباری در قیامت دانسته شده است.

### دروس ۳: در امواج سند

### یازدهم

۹۹۹- گزینه ۲ سیماب: جیوه/ افسر: تاج و کلاه پادشاهان/ گران: سنگین، عظیم/ برومند: بارآور، میوه‌دار

۱۰۰۰- گزینه ۴ «بار» به معنی «اسب» در ابیات «الف» و «د» آمده است.

معنی «بار» در ابیات دیگر: «ب»: دیوار و حصار قلعه/ «ج»: موضوع، باب

۱۰۰۱- گزینه ۴ «نابودکردن»، «تخته‌کردن تخت‌ها» و «حله را کفن کردن» معادل «دمار از کسی کشیدن» است.

۱۰۰۲- گزینه ۱ «گران» در این گزینه به معنی «گران‌قیمت» است اما در گزینه‌های دیگر به معنی «سنگین و عظیم».

۱۰۰۳- گزینه ۲ «ج»: دمار: رگ و ریشه‌های گوشت/ «ب»: خرگاه (خرگه): خیمه، به‌ویژه خیمه بزرگ

۱۰۰۴- گزینه ۲ ۱- پایاب: ته آب یا قعر دریا ۲- عافیت: تندرستی

۱۰۰۵- گزینه ۳ ۱- نژند: خوار و زبون، اندوهگین ۲- زر پاره: قراضه، خرده زر، زر سکه‌شده (= دینار) ۳- وزر: بار سنگین، گناه

۱۰۰۶- گزینه ۱ «فراغ» درست است.

۱۰۰۷- گزینه ۱ قلتیده ← غلتیده (غلت‌خورده)

۱۰۰۸- گزینه ۴ ۱- مزکور ← مذکور ۲- زنده‌گی ← زندگی ۳- خورده ← خرده ۱۰۰۹- گزینه ۴ در ابیات (۱)، (۲) و (۳) «قالب» به معنی «شکل و هیئت و جسم» است، اما در بیت (۴) به معنی «چیره و بسیار» است که باید با املائی «غالب» نوشته شود.

۱۰۱۰- گزینه ۱ قریب ← نزدیک، آشنا/ «غریب» املائی درست واژه با معنی «دورافتاده و گم‌گشته راه» است.

۱۰۱۱- گزینه ۲ چهارپاره بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود.

۱۰۱۲- گزینه ۳ مورد «الف» در قالب چهارپاره است، زیرا از چند بند تشکیل شده که هر بند دارای قافیه‌ای جداگانه است، اما همه بیت‌ها دارای مفهومی مشترک و به هم پیوسته‌اند. مورد «ب» شامل دو شعر جدا از هم در قالب «دوبیتی»



# واژگان

## فارسی ۱

|| ستایش و درس یکم ||

### واژه‌نامه‌ای

#### ستایش:

**افلاک:** جمع فلک، آسمان‌ها

**رزاق:** روزی‌دهنده

**زهی:** هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا،

آفرین، شگفتا

**فروغ:** روشنایی، پرتو

**فضل:** لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد -

**کام:** دهان

#### درس یکم:

**برازندگی:** شایستگی، لیاقت

**پیرایه:** زیور و زینت

**تیزپا:** تندرو، تیزرو

**جافی:** ستمگر، ظالم

**حازم:** محتاط

**خیره:** سرگشته، حیران، فرومانده

**دست برد:** هجوم و حمله؛ دست برد دیدن؛ مورد

حمله و هجوم قرار گرفتن

**شکن:** پیچ و خم زلف

**صورت شدن:** به نظر آمدن، تصوّر شدن

**غلغله‌زن:** شور و غوغاکنان

**فَرَج:** گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج

**گلبن:** بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ

**معرکه:** میدان جنگ، جای نبرد

**مفتاح:** کلید

**مکاید:** ج مکیدت، مکرها، حيله‌ها

**میعاد:** وعده، قرار؛ **میعاد نهادن:** قرار گذاشتن

**نادره:** بی‌همتا، شگفت‌آور

**نَمَط:** روش، طریقه؛ **زین نَمَط:** بدین ترتیب

**نیلوفری:** صفت نسبی منسوب به نیلوفر، به

رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس مقصود از «پردۀ نیلوفری» آسمان لاجوردی است.

**ورطه:** گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

**هنگامه:** غوغا، داد و فریاد، شلوغی

**یله:** رها، آزاد؛ **یله دادن:** تکیه‌دادن

### غیر واژه‌نامه‌ای

**چهره‌نما:** نمایشگر چهره، نقاش، در این جا کسی یا چیزی که به ظاهر خود مغرور است.

**همسری:** برابری

**سهمگن:** سهمگین، ترسناک

**خصلت:** خوی و صفت، جمع آن خصال است.

**حکمت:** دانش

### || درس دوم ||

### واژه‌نامه‌ای

**تیمار:** غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمارداشتن: غمخواری و محافظت از کسی

که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن

**ضایع:** تباه، تلف

**عَمَله:** جمع عامل، کارگران؛ در فارسی امروز کلمه عَمَله به صورت مفرد، به معنی یک تن

کارگر زبردست بتا به کار می‌رود.

**قربابت:** خویشی، خویشاوندی؛ در متن درس، منظور «خویشاوند» است.

**محال:** بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل

**مستغنی:** بی‌نیاز

**مولع:** بسیار مشتاق، آزمند

**نموده:** نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده

### غیر واژه‌نامه‌ای

**بَرّاق:** درخشان، تابنده

**بِرّ و بِرّ:** خیره، نگاه زل‌زده

**بغض:** دشمنی، حالتی از گلو که شخص

جلوی گریه خود را بگیرد.

**به‌سزا:** سزاوار، شایسته

**تَلّ:** پشته، تپه

**حرمت:** احترام

**داد:** عدل، انصاف، بخشش؛ هم‌چنین این کلمه بن ماضی از مصدر «دادن» به معنی

«سپردن» است.

**داور:** قاضی

**دلهره:** اضطراب، نگرانی

**رَستَن:** نجات‌یافتن، رها شدن (رَستَن: روییدن)

**رعشه:** لرزیدن، لرزش

**سراسیمه:** مضطرب و حیران

**نهاد:** طبیعت و سرشت؛ هم‌چنین این کلمه بن ماضی از مصدر «نهادن» است که به معنی «گذاشتن» است.

### || درس سوم ||

### واژه‌نامه‌ای

**تالاب:** آبگیر، برکه

**تناور:** تنومند، فربه، قوی‌جثه

**حَضِیض:** جای پست در زمین یا پایین کوه

**رفیع:** بلند، مرتفع

**سُخره:** مسخره کردن، ریشخند

**شرف:** آبرو، بزرگواری

**ضامن:** ضمانت‌کننده، کفیل، به عهده‌گیرنده گرامت

**عامل:** حاکم، والی

**عزم:** قصد، اراده

**عمارت کردن:** بناکردن، آبادکردن، آبادانی

**غبطه:** رشک‌بردن، حال و روز کسی را آرزو داشتن، بی آن که خواهان زوال آن باشیم.

**فلق:** سپیده صبح، فجر

**نجابت:** اصالت، پاک‌مَنیشی، بزرگواری

### غیر واژه‌نامه‌ای

**امضا:** روان کردن، گذرانیدن، نام خود را زیر نوشته‌ای نوشتن

**تراز:** برابری، تعادل

**ضاللت:** گمراهی

**کاینات:** جمع کاین، کاین: بودنی، موجود

**گزاردن:** ادا کردن، انجام‌دادن، بیان کردن، شرح‌دادن

### || درس پنجم ||

### واژه‌نامه‌ای

**آیت:** نشانه

**خَذلان:** خواری، پستی، مذلت

**دولت‌آشیان:** دولت‌سرا، آشیانه خوشبختی

**رحمت:** مهربانی، بخشش

**طالع:** سرنوشت، بخت

**عَلَم کردن:** مشهور کردن، سرشناس کردن

**ماسوا:** مخفف مایسوی‌الله، آنچه غیر از خداست، همه مخلوقات

**محنت:** اندوه، غم

**مُفْتَحَر:** سربلند، صاحب افتخار

# املا

## نکات کنکوری دربارهٔ املا و رسم الخط فارسی

- اغلب دانش‌آموزان هنوز در موضوع جدانویسی یا سرهم‌نویسی دچار تردید می‌شوند. اجازه بدهید مزده بدهم که جدانویسی یا سرهم‌نویسی واژه‌ها در کنکور، نه غلط املایی به شمار می‌رود نه غلط رسم‌الخطی، مگر در موارد خاصی، مانند وقتی که واژه‌ای به «ه» یا «ه» ختم شود و سپس پسوندی مانند «مند» به آن اضافه شود که در این صورت باید جدا نوشته شود؛ مانند: علاقه‌مند یا گله‌مند.
  - رابطهٔ چهارگانهٔ «تضاد، ترادف، تضمن و تناسب» راه مناسبی است برای تشخیص دادن املائی درست یک واژه. در واقع با در نظر گرفتن مراعات نظیر در یک بیت یا یک عبارت، شما می‌توانید به شکل درست یک واژه که هم‌آوا یا هم‌آواهایی نیز دارد پی ببرید.
  - نبود «تشدید» در واژه‌هایی که «تشدید» دارند، غلط املائی نیست. اما اگر واژه‌ای احتیاج به تشدید نداشته باشد و طراح محترم تست برای آن تشدید در نظر گرفته باشد، قطعاً یک غلط فاحش املائی است.
  - در املائی فارسی چند صامت میانجی وجود دارد؛ از جمله «ا»، «ی»، «گ»، «ک» و «ج».
- چند مثال** راننده + ی = رانندگی  
مسئله + ی = مسئله‌ای  
خدا + ان = خدایان  
نیا + ان = نیاکان  
طلا + ات = طلاجات
- این صامتهای میانجی، همیشه در برخورد با «ه» یا «ه» موجب حذف آن‌ها از واژه می‌شوند، به خصوص هنگامی که پای جمع‌بستن و افزودن اسم یا صفت به واژهٔ «ه»، «ه» دار باشد.

۵ فراموش نکنید که هنگام افزودن پیشوندهای فعلی «ب» (مانند برفت)، «ن» (مانند نرفت) و «م» (مانند مرو) به فعل‌هایی که بن ماضی یا مضارع آن‌ها با همزه (ه) آغاز می‌شود، «ی» جای همزه را می‌گیرد؛ به عنوان مثال شما به مصدر انگاشتن توجه کنید:

«ب» + انگاشت ← بیانگاشت «ب» + آموز ← بیاموز

۶ بین **گذاردن** و **گزاردن** تفاوت وجود دارد.

**گذاردن** معناهای مختلف دارد؛ از جمله: ۱- قراردادن و نهادن (برای نهادن چیزی در جایی) ۲- اجازه‌دادن ۳- ایجادکردن ۴- وضع کردن و تعیین کردن ۵- رهاکردن چیزی یا ترک کردن موقعیتی

**گزاردن** معناهای مختلف دارد؛ مانند: ۱- اداکردن و به جا آوردن (مانند واجبات، شکر، حق و ...) ۲- اجراکردن ۳- پرداختن وام و قرض ۴- تعبیر کردن خواب

مثال برای گزاردن:

برای قراردادن چیزی در جایی ← بمب‌گذاری، لوله‌گذاری، نشانه‌گذاری، نقطه‌گذاری، میراث‌گذاری، تاج‌گذاری، کلاه‌گذار (معنای مجازی)، لقب‌گذاری (معنای مجازی)، نمره‌گذاری، مین‌گذاری، نرخ‌گذاری، نام‌گذاری، پی‌گذاری برای اجازه‌دادن ← مگذار که غصه در میانست گیرد/ ما را که در حتم گزارد؟

برای ایجادکردن ← پایه‌گذار، بنیان‌گذار، سرمایه‌گذار

برای وضع کردن ← قانون‌گذار

برای تعیین قیمت ← قیمت‌گذار

برای رهاکردن ← فروگذار، واگذار، واگذاری

مثال برای گزاردن: برای اداکردن ← نمازگزار، خدمت‌گزار

برای انجام‌دادن ← کارگزار

برای پرداختن وام ← وام‌گزار

برای تعبیر و ترجمه کردن، شرح‌دادن ← خواب‌گزار

۷ در کاربرد واژه‌های دواملائی، هر دو کاربرد درست به شمار می‌رود.

هلیم و حلیم / باطری و باتری / تاس و طاس / طوسی و توسی

## کلمات مهم املائی

### درس پنجم

محنت و محن - اجل و مرگ - غرث و عوعو - طالع مسعود - طبع و طبایع - آز و طمع - آژمنه و اوقات - سدهٔ هفتم - خذلان و مخذول - اسیر و اُسرأ - متحیر و سرگردان - علم و اعلام - بهجت و ابتهاج

### درس ششم

محبت و محب - ادبیات غنایی - قالب شعر و نثر - حوزهٔ ادبی - نسیم صبا - معاش و معیشت - حدیث و ماجرا - ملاحظت و زیبایی - محض و مطلق - نظر و ناظر - هله و زینهار - اسرار حق - حقه و صندوق

### درس هفتم

حیات و زندگی - ضد و اضداد - فرقت و فراتی -

قرینه و مقرون - لب حوض - حیاط و ایوان - شیری و بزاق - تلی از آجر - خُرده‌های گنج - قاش خربزه - اندوه و غصه - بغض گلو - اصرار و مصرّ - غریبه و غریب - تابیده و تاب - غمزده و مغموم - جرئت و شجاعت - طاقت و توان - قدر و مقادیر - وحشت و متوحّش - دلپره و هراس - طاس و کل - احتیاط و محتاط - رعشه و ارتعاش - جیغ و داد - سراسیمه و آسیمه‌سر - هق‌هق‌گریه

### درس سوم

شفق و فلق - محراب مسجد - نماز گزاردن - حضيض و فرود - سُخره و شوخی - قدر و مقادیر - غبطه و رشک - تراز و میزان - عزم و اراده - ضامن و تضمّن - عَلم و پرچم - نوحه و زاری - ضلالت و ضالّه - عمارت و آبادانی

### فارسی ۱

#### ستایش

فضل و فاضل - رزاق و خلاق - زهی و مرحبا

#### درس اول

قالب شعر - غلغله‌زن - حامل و محموله - برزندگی و لیاقت - نمط و شیوه - مبدأ و پایان - بحر و یم - ورطه و مهلکه - حقارت و خواری - حازم و عاجز - قضا و قدر - ذخیرت - صواب و صلاح - مدهوش و حیران - غالب و مغلوب

#### درس دوم

مستغنی و بی‌نیاز - تیمار و مراقبت - مُحال و ناممکن - ضایع و تضييع - تباه و تلف - قرابت و خویشی - حرمت و حریم - مولع و حریص -

# تاریخ ادبیات

پایه	فصل	درس	شاعر، نویسنده، مترجم	آثار	توضیحات
۴	ستایش		عطار نیشابوری	الهی نامه (نظم، در قالب مثنوی)	_____
	تعلیمی	یکم	نیما یوشیج	چشمه (مثنوی)	نیما یوشیج، تخلص علی اسفندیاری است.
			نصرالله منشی	کلیله و دمنه (نثر)	حکایت «پیرایه خرد» از این کتاب است.
	تعلیمی	دوم	عنصرالمعالی کیکاووس	قابوس نامه (نثر)	_____
			جمال میرصادقی	دیوار (نثر)	_____
	پایداری	سوم	سید علی موسوی گرمارودی	گوشواره عرش (نظم)	این کتاب مجموعه کامل شعرهای آیینی است و شعر «پاسداری از حقیقت» از این کتاب درباره امام حسین <small>علیه السلام</small> است.
			خواجه نظام الملک طوسی	سیاست نامه (نثر)	حکایت «دیوار عدل» از این کتاب است.
	پایداری	پنجم	سیف فرغانی	غزل «بیداد ظالمان»	او این شعر را در هنگامی که شهرهای ایران در آتش بیداد مغولان می سوخت سرود و از رفتار ظالمانه آن‌ها انتقاد کوبنده‌ای کرد. (سده هفتم هجری)
			سید محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)	غزل «همای رحمت»	این شعر، درباره حضرت علی <small>علیه السلام</small> است.
	غنائی	ششم	حافظ	دیوان حافظ (غزل + نظم)	غزل «مهر و وفا» یکی از غزلیات دیوان حافظ است.
محمد بن منور			اسرار التوحید (نثر)	این کتاب را درباره جد خود، ابوسعید ابوالخیر، نوشته است.	
غنائی	هفتم	احمد بن محمد بن زید طوسی	تفسیر سوره یوسف (نثر)		
		سعدی	(گلستان: نظم + نثر) بوستان (نظم)	غزل «بوی گل و ریحان‌ها» از کلیات اشعار سعدی قسمت غزلیات است.	
سفر و زندگی	هشتم	ناصر خسرو	سفرنامه (نثر)	حکیم ابومعین ناصر خسرو قبادیانی، شاعر و نویسنده قرن پنجم است. «سفر به بصره»، یکی از قسمت‌های این کتاب است.	
		سعدی	گلستان (نظم + نثر)	حکایت «شبی در کاروان» از این کتاب است.	
سفر و زندگی	نهم	سهراب سپهری	اتاق آبی (نثر)	خاطره‌نگاری «کلاس نقاشی» از این کتاب است.	
		جلال آل احمد	ارزیابی شتاب زده (نثر)	«پیرمرد چشم ما بود» از این کتاب است و با زبانی صمیمی به بیان حس و حال عاطفی آل احمد درباره نیما یوشیج است.	
انقلاب اسلامی	دهم	نیما یوشیج	شعر «آی آدم‌ها»	نام شناسنامه‌ای: علی اسفندیاری	
		مرتضی آوینی	دریادلان صف‌شکن (نثر)	این متن از مجله «ادبیات داستانی» نقل شده است.	
	یازدهم	محمد بن منور	اسرار التوحید (نثر)	حکایت «یک گام، فراتر» از این کتاب است.	
		سپیده کاشانی	غزل «خاک آزادگان»	سپیده کاشانی، تخلص خانم «سرور اعظم باکوچی» است.	
انقلاب اسلامی		معصومه آباد	من زنده‌ام (نثر)	خاطرات زندگی و جنگ تحمیلی است و متن «شیرزنان ایران» از این کتاب است. ضمناً رهبر انقلاب بر این کتاب تقریظ نوشته‌اند.	

## آرایه‌های ادبی

### تشبیه

تشبیه: یعنی شبیه‌دانستن دو یا چند کس و دو یا چند چیز به یکدیگر که موجب زیبایی و خیال‌انگیزی می‌شود.

◀ صورتش مثل ماه می‌درخشد.

هر تشبیه دارای چهار بخش یا رکن است:

۱. **مشبّه:** کسی یا چیزی که می‌خواهیم آن را تشبیه کنیم: **صورتش**

۲. **مشبّه‌به:** کسی یا چیزی که مشبّه، به آن تشبیه شده است: **ماه**

۳. **وجه‌شبهه:** ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که معمولاً از مشبّه‌به می‌گیریم: **درخشیدن**

۴. **ادات تشبیه:** واژه‌هایی که شباهت را بیان می‌کند:

مثل / مانند / چون / همچون / عین / مثل / پنداری / گویی / چو و ...

**نکته** «ماندن» در معنای «شبیه‌بودن» می‌تواند ادات تشبیه باشد:

**نمونه** گر در آفاق بگردی به‌جز آینه تو را

صورتی کس ننماید که بدو می‌مانی

شبهه هستی

**نکته** باید مراقب «چو» و «چون» بود؛ به دلیل این که این دو واژه

همیشه به معنای مثل و مانند نیستند؛ بلکه گاهی «چگونه» معنا می‌دهند و گاهی به معنی «وقتی که و زمانی که» است.

◀ **درفش مرا چون ببیند ز دور**  
هنگاهی که

دلش ماتم آرد به هنگام سور

◀ **روی خوش و آواز خوش دارند هر یک لذتی**

**بنگر که لذت چون بُود، محبوب خوش‌آواز را؟**  
چگونه

### انواع تشبیه

علاوه بر تشبیهاتی که دارای همهٔ ارکان یا دست کم سه رکن هستند و تشخیص آن‌ها، دشوار نیست، باید چهار نوع تشبیه زیر را کاملاً بشناسید:

۱. **اضافه تشبیهی** | گاهی مشبّه و مشبّه‌به با یک کسره (ـِ) به هم اضافه

شده و به صورت یک ترکیب اضافی می‌آیند، مانند: کوه غم، دریای معرفت، بلای عشق، آتش فراق، طومار دل

**نکته** در این نوع تشبیه، معمولاً واژهٔ اول «مشبّه‌به» و دومی «مشبّه» است. همهٔ مثال‌های بالا از این نوع هستند، اما گاهی اولی «مشبّه» و دومی «مشبّه‌به» است مانند: لب لعل (لب مانند لعل) و قد سرو (قد مانند سرو)

۲. **تشبیه اسنادی** | گاهی تشبیه را در یک جمله با فعل اسنادی باید یافت

مثلاً: «وجودت گنج است» یعنی «وجود تو [مانند] گنج است». در این نوع تشبیه گاه شکل کوتاه‌شدهٔ فعل‌های اسنادی نیز می‌آید، مانند این مصراع:

«دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی»

در این جا شاعر، معشوق را به «دانه، دام، باده و جام» تشبیه کرده است.

۳. **تشبیه درون‌واژه‌ای** | کلماتی وجود دارند که به تنهایی در خود یک

تشبیه را جا داده‌اند؛ مثلاً: گندمگون (مثل گندم)، سیم‌تن (دارای تنی مانند سیم یا نقره)، گلرخ (دارای رخی چون گل)، عقاب‌وار (مانند عقاب)، برق‌آسا

(مانند برق)، مهسان (مانند ماه)، پری‌وش (مانند پری)

۴. **تشبیه پنهان** | گاه تشبیه در عبارت یا بیت پنهان شده و تنها با فهمیدن

معنای دقیق آن می‌توان بدان پی برد. چند نمونه:

◀ **یک سوی خیزد از تن من و ز میان تو**

**یک نقطه آید از لب من وز دهان تو**

تن من و میان تو مانند موی است و لب من و دهان تو مانند نقطه است.

◀ **به زلفِ بافته، رشک بنفشه چمنی**

**به روی تافته، شرم ستارهٔ سحری**

زلف تو مانند بنفشه و روی تو مانند ستاره است.

◀ **چو لاله سرخ شد از شرم عارض تو رواست**

**که چشمه‌سار شود شرمسار دیدهٔ من**

عارض (چهره) تو مانند لاله و دیدهٔ من مانند چشمه‌سار است.

◀ **بنفشه در بر مویت فکنده سر در جیب**

**گل از نظارهٔ رویت دریده پیراهن**

مویت مانند بنفشه و حتی زیباتر از آن است و چهره‌ات همانند گل و حتی زیباتر از آن است.

گاهی شاعر یا نویسنده بین دو چیز مقایسه می‌کند و یکی را برتر از دیگری می‌داند، این هم یکی از انواع تشبیه پنهان است:

◀ **ور قامتت به باغ درآید ز شرم او**

**حالی به قد سرو خمیدن در اوفتد**

معنی: وقتی قامت تو به باغ وارد شود، از شرم قامت تو قد سرو فوراً خمیده می‌شود؛ یعنی قامت تو بلندتر از قامت سرو است.

### استعاره

«استعاره» فرزند «تشبیه» است؛ پس خیلی سریع «تشبیه» را مرور می‌کنیم: هر تشبیه دارای چهار رکن است:

مشبه و مشبّه‌به یا وجه‌شبهه و ادات تشبیه

ارکان اصلی | ارکان غیر اصلی

ارکان غیر اصلی اگر حذف شوند، تأثیری در بر هم زدن «تشبیه» ندارند و تا زمانی که ارکان اصلی حاضر باشند، تشبیه نیز پابرجاست:

◀ **«کوه غم» یا «دنیا زندان است»**

مشبّه مشبّه‌به مشبّه

اما استعاره فقط با حضور یکی از ارکان اصلی موافقت می‌کند، یعنی استعاره، وقتی شکل می‌گیرد که یا مشبّه داشته باشیم یا مشبّه‌به.

### استعاره با حضور «مشبّه‌به»

وقتی شاعر می‌گوید:

◀ **ز بوی زلف تو مفتونم ای گل**

**ز رنگ و روی تو دلخونم ای گل**

پیداست که منظورش از «گل»، «معشوق» است و او به جای آن که بگوید «ای معشوقی که مثل گل، زیبا هستی ...» همهٔ ارکان تشبیه را حذف کرده

و با آوردن «گل» که «مشبّه‌به» است، «استعاره» ساخته است. به این نوع استعاره، «استعارهٔ مصرّحه» می‌گوییم.

پرتکرارترین «مشبّه» و «مشبّه‌به»‌های ادب فارسی در جدول زیر آمده‌اند. دقت کنید اگر در شعر یا متنی، مشبّه و مشبّه‌به با هم بیایند

«تشبیه» و اگر فقط مشبّه‌به بیاید «استعاره» است:

## دستور زبان

### انواع کلمات و نقش دستوری آن‌ها در جمله

انواع کلمات عبارت‌اند از: اسم - فعل - حرف - صفت - قید - ضمیر - صوت

نقش کلمات در جمله (به غیر از فعل) عبارت‌اند از:

- اصلی: ۱ نهاد ۲ مفعول ۳ مسند ۴ متمم ۵ منادا ۶ قید
- تبعی: ۱ تکرار ۲ بدل ۳ معطوف
- وابسته: ۱ مضاف‌الیه ۲ صفت ۳ شاخص
- وابسته و وابسته: ۱ مضاف‌الیه مضاف‌الیه ۲ صفت مضاف‌الیه
- ۳ صفت صفت ۴ قید صفت ۵ ممیز

### نقش‌های اصلی در زبان فارسی معیار

جمله در زبان فارسی معیار به صورت زیر است:

نهاد + (مفعول، متمم، مسند، قید، صفت و ...) + فعل

گزاره، فبر یا عبارتی است درباره نهاد.

اغلب به تعداد فعل‌های موجود در یک بیت یا یک عبارت، جمله داریم. شبه‌جمله‌ها نیز جمله محسوب می‌شوند.

**نهاد** فرمول شناخت نهاد: چه چیزی یا چه کسی + فعل جمله = نهاد  
علی به مدرسه رفت: چه کسی رفت ← علی (نهاد)  
نهاد معمولاً در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

معمولاً شناسه فعل از نظر جمع یا مفرد بودن با نهاد تطابق دارد.

**مفعول** فرمول یافتن مفعول: چه کسی را یا چه چیزی را + فعل جمله = مفعول  
«را» نشانه وجود مفعول در یک جمله است اما در بسیاری از این موارد «را» حذف می‌شود و ما باید به کمک فعل بتوانیم مفعول را تشخیص بدهیم. (درباره مفعول در بخش گروه فعلی بیشتر خواهید خواند).

**مسند** مسند تنها در جملاتی وجود دارد که فعل اسنادی داشته باشند. خانه خراب شد.

افعال اسنادی: سه دسته‌اند، ۱- است، بود، شد، گشت و گردید و هم خانواده‌هایشان. ۲- گردانیدن و افعال کردن، نمودن و ساقطن به شرط آن‌که بتوانیم به پای این ۳ فعل، گردانیدن را بیاوریم. ۳- پنداشتن، نامیدن، به حساب آوردن و افعالی که بتوانیم یکی از این افعال را جایگزین کنیم. (درباره مسند در گروه فعلی بیشتر خواهید خواند).

**متمم** متمم جزئی از جمله است که توسط یکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم آن می‌افزاید. (درباره متمم در بخش گروه فعلی بیشتر خواهید خواند).

**مهم‌ترین حروف اضافه:** از - به - با - بر - در - برای - مانند - چون (مثل و مانند) جز - غیر - تا - اندر - اندرون - به وسیله - به واسطه - به خاطر - به استثنای - برسان - به علاوه - در برابر - درباره - از نظر - از لحاظ - از روی - به غیر - به علت - به عنوان - به کردار - به مانند - به منظور - در ضمن - در مورد و ...

در یک جمله امکان وجود بیشتر از یک متمم وجود دارد.

### دو حرف اضافه برای یک متمم:

گاهی اوقات در گذشته برای یک متمم دو حرف اضافه می‌آمد، یکی پیش از متمم و دیگری پس از آن؛ مانند:

زدش **بر** زمین **بر** به کردار شیر بدانست کواهم نماند به زیر

**ندا و منادا** منادا کلمه‌ای است که مورد خطاب قرار می‌گیرد و معمولاً بعد از حروف ندا (ای، یا، ای) می‌آید.

مانند: ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی

حرف ندا منادا

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

گاهی منادا، بدون حرف ندا می‌آید؛ مانند:

نیما، غم دل گو که غریبانه بگیریم

منادا

منادا در شمارش تعداد جمله، یک جمله به شمار می‌آید.

فقط دقت کنید گاهی «ا» حرف ندا قرار می‌گیرد که پس از منادا می‌آید.

سعدیا **مرد** نکونام نمیرد هرگز

ندا و منادا

یک جمله

**قید** به یکی از عناصر زمان، مکان یا حالت متناسب با فعل اشاره می‌کند؛ در کتاب درسی ۲ روش برای تشخیص «قید» آمده است: الف) قید گروهی است که فعل نباشد و از سوی دیگر نقش گروه اسمی (نهاد، مفعول، مسند، متمم، منادا) نگیرد. (این روش بسیار آسان و کاربردی است.) ب) قید گروهی است که قابل حذف از جمله است. (این روش علمی است اما چندان برای دانش‌آموز مناسب نیست.)

**تعدادی از قیدهایی که معمولاً نقش قید دارند:** هرگز، هنوز، البته، مثلاً، احیاناً، اتفاقاً، حتماً (کلمات تنوین‌دار در زبان فارسی قید هستند)، همواره، الآن، امروز، دیروز، دیشب، کم‌کم، آرام‌آرام، سلاله‌سالانه، لنگان‌لنگان (کلمات تکراری قید می‌سازند)، افتان و خیزان، افسوس، چگونه، آیا، شاید، خیلی، گاهی، متأسفانه و ...

### نقش‌های تبعی

واژه‌هایی هستند که از نظر نقش دستوری، تابع و پیرو گروه اسمی قبل از خود باشند که عبارت‌اند از: ۱ معطوف ۲ بدل ۳ تکرار.

**معطوف** یک اسم یا گروه اسمی است که پس از حرف عطف (و) می‌آید و با آن حرف عطف، به گروه اسمی قبل از خود می‌پیوندد و نقش دستوری آن گروه را به خود می‌گیرد.

**نمونه** سارا و نگار را دیدم. صدای آهن و تیشه را شنیدم.

مفعول معطوف به مفعول مضاف‌الیه معطوف به مضاف‌الیه

(گاهی به جای واو عطف ویرگول و گاهی «یا» می‌آید.)

**بدل** یک اسم یا گروه اسمی است که اسم یا گروه اسمی قبل از خود را توضیح می‌دهد.

**نمونه** غلامرضا تختی، اسطوره ادب و پهلوانی، افتخارات زیادی را برای

بدل

کشورمان ایران کسب کرد.

بدل

**نکته** دو نوع بدل در کنکور بسیار رایج است: ۱ خود، خویش، خویشتن

**نمونه** او خود ...

بدل

۲ همه، همگی، جملگی: **نمونه** آن‌ها، همه ...

بدل

# قرابت معنایی

## فارسی ۱

### ستایش + درس ۱ چشمه

مفهوم	بیت / عبارت
هر پدیده‌ای نشانی از خداست. / خدا را در همه جا و همه چیز می‌توان دید. / وحدت وجود	چو در وقت بهار آبی پدیدار فروغ رویست اندازی سوی خاک حقیقت پرده بررداری ز رخسار عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
گل مشتاق و عاشق توست. / عاشق بودن همه پدیده‌های عالم	گل از شوق تو خندان در بهارست از آنش رنگ‌های بی‌شمارست
سفارش به گفتن سخنان سنجیده	پیش دیوار آن‌چه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش
عاشق واقعی به هیچ چیز و هیچ کس جز یار خود نمی‌اندیشد.	تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپندم که به جای تو بود
هر کس فروتن و متواضع باشد، به کمال دست می‌یابد.	چو خود را به چشم حقارت بدید بلندی از آن یافت کاه پست شد صدف در کنارش به جان پرورید در نیستی کوفت تا هست شد
فواید بهره‌مندی از دانش / ناکارآمدی تدبیر در برابر تقدیر	هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد؛ با این‌همه عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب نبیند.

### درس ۲ از آموختن، ننگ مدار

مفهوم	بیت / عبارت
انسان باید یکرنگ باشد و از ریاکاری پرهیز کند.	خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده، مباش. به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم‌نمای جو فروش نباشی.
توصیه به بررسی اعمال خود قبل از مردن و سعی در جبران خطاها و گناهان قبل از مردن / هر کس تا زنده است اعمال خود را بررسی و اصلاح کند، در آن دنیا عذاب نمی‌بیند.	اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد / «حاسبوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا».
ناپایداری موقعیت‌ها / ناامیدی جای امید را می‌گیرد و امید جای ناامیدی را می‌گیرد.	نومیدی را در امید، بسته دان و امید را در نومیدی.
توصیه به شاد و خوش بودن / زودگذر بودن موقعیت‌ها	شاد و بی غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می‌گذرند

پیام داستان «دیوار»: بد دانستن جدایی و توصیه به با هم بودن